



پیام فدائی

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

مرک برای امپریالیسم
و سگهای زنجیریش

بهاء: ۵۰۰ ریال

مرداد و شهریور ۶۷ - ۵۰ صفحه

سال سوم - شماره ۲۰

کشتار زندانیان سیاسی جلوه‌ای از یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به انقلاب

تشدید سرکوب اعتراضات توده‌ها و شکار مبارزین و توسل به کشتار زندانیان سیاسی صفحه سیاه دیگری بر پرونده سراسر سیاه و جنایتبار خود اضافه نمود.

در این رابطه سردمداران

در صفحه ۱۱

بدنبال موافقت جمهوری اسلامی با قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل در رابطه با اعلام آتش بس در جنگ ایران و عراق و آغاز مذاکرات صلح، رژیم ددمنش جمهوری اسلامی یورش وحشیانه‌ای را به انقلاب صدامپریالیستی خلقهای ما سازمان داده و با



درباره صلح در جنگ امپریالیستی ایران و عراق

با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از سوی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی جنگی ویرانگر و جنایت بار ایران و عراق، جنگی که به اعتراف خود دست اندرکاران و سازماندهندگان آن در ابعاد جنگهای جهانی امپریالیستی جریان داشت، در روند دیگری قرار گرفته است. روندی که پس از طی فراز و نشیب‌ها و مانورهای طبیعی در مذاکرات دو دولت ایران و عراق پایان جنگ و برقراری صلح بین طرفین در مقابل آن قرار دارد.

این امر برای تمام کسانی که قادر به درک ماهیت واقعی جنگ ایران و عراق در صفحه ۲

جمهوری اسلامی در وحشت از جنبش خلق کرد

در صفحه ۵۰

جاودان باد

خاطره چریک فدائی خلق رفیق شهید فریدون محمدی سامانی (کاک فرهاد) که قهرمانانه تا پای مرگ با دشمن جنگید!

صفحه ۵۰

اطلاعیه مبنی گذاری پیشمرگان

چریکهای فدائی خلق ایران

در منطقه پیرانشهر

صفحه ۳۴

پیرامون تغییر و تحولات اخیر در

جنگ ایران و عراق

صفحه ۱۴

گزیده‌هایی از راه‌یو صدای چریکها:

بر علیه جمهوری اسلامی مبارزه خود را تشدید کنید!

تخریب خانه‌های محلات فقیرنشین شهر سنج توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

پیرامون گفتار شولتز در اجلاس اخیر سازمان ملل

صفحه ۳۵

- * اعدام "پشمرگه" ۲۱
- * شعر: رودخانه ۳۶
- * اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه با اعدام انقلابی ۳۳
- * تظاهرات در همدان ۴۲
- * اخبار ۴۵
- * شهدای مرداد و شهریور ۴۸
- * روز شمار مرداد و شهریور ۴۸

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

درباره صلح در جنگ امپریالیستی ایران و عراق

از صفحه ۱

از ضرورت تداوم "جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم" سخن گفته میشود حتی در آخرین روزهای قبل از پذیرش قطعنامه لایحه قانونی کردن جنگ تا پیروزی را به مجلس ضد خلقی شورای اسلامی ارائه نمودند.

مسلمات توضیح جنگ ایران و عراق بر مبنای جنگ افروزی خمینی و دیگر سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی بدون در نظر گرفتن نقش مستقیم امپریالیستها در این جنگ نمیتوانست توضیحی علمی و واقعی از جنگ مورد نظر بوده باشد، بر همین مبنی اکنون نیز نمیتوان از مسئله "صلح" تحلیلی علمی ارائه نموده و دلائل آنرا بطور عینی برای توده ها توضیح داد مگر آنکه دستان خون آلود امپریالیست ها در جنگ ایران و عراق و نقش که آنان به همیاری روبریونیستها بعنوان سازماندهندگان اصلی این جنگ ایفاء نموده اند را در نظر گرفته و آشکار و افشاء نمود.

برای کمونیستها در پرتو آموزش های مارکسیسم-لنینیسم این امر واضحی است که آنها باید برای درک ماهیت واقعی هر جنگی ابتدا خصلت طبقاتی آنرا تشخیص دهند و ببینند که آن جنگ مفروض در چه شرایط تاریخی - اقتصادی

ابلهانه تر از همه بخاطر "فتح قدس از طریق کربلا" تلقی نمیدادند امروز با قرار گرفتن در مقابل واقعیت پذیرش آتش بس از طرف جمهوری اسلامی و آغاز روند صلح یا بایاداعان کنند که از درک ماهیت واقعی جنگ ایران و عراق عاجز بوده و تحلیل آنان را در مورد جنگ بیشتر تبلیغات طرفین جنگ و روزنامه نویسان بورژوا و دستگاههای تبلیغاتی امپریالیستی شکل میداده است و با بایاداعان به دلائل واقعی توضیح دهند که چگونه شد رژیم که بخاطر رواج "اسلام" و یا گویا بخاطر خوش رقصی برای امپریالیسم و جلب توجه او جهت کسب نقش "ژاندارم در منطقه" درگیر چنان جنگ بزرگ و دهشتناکی بود به یکباره از زبان خمینی جلاد که روزی اعلام کرده بود "هر کس صلح می خواهد دعا کنید من بمیرم" امروز با استغاثه خواستار پایان دادن به جنگ شده است، بخصوص که همگان میدانند سران رژیم جمهوری اسلامی در وضعیتی قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفته و اعلام آتش بس در جبهه های جنگ نمودند که در همه جای کشور بساط تبلیغات تنگیسن و ارتجاعی مزدوران ریز و درشت این رژیم همچنان بر پا بوده و در همه جا

عراق نبوده و آنرا صرفاً در حیطه محدود منافع طرفهای درگیر بررسی نموده و یا برای کسانی که نقش امپریالیستها را در این جنگ حداکثر به عنوان یک عامل خارجی بحساب می آوردند، سردرگمی های زیادی را بوجود آورده است. آن نیروهای سیاسی که معتقد بودند رژیم جمهوری اسلامی نه به اعتبار حمایت قدرت جهانی امپریالیسم از او، بلکه به جنگ زنده است و از این رو پایان جنگ را به سرنگونی رژیم پیوند زده و برقراری صلح را در شرایط سلطه جمهوری اسلامی ناممکن میدانستند، اکنون با توجه به برقراری آتش بس در جبهه های جنگ و آغاز روند صلح و در عین حال عدم سرنگونی رژیم مشاهده میکنند که سیر وقایع برخلاف اعتقادات و نظرات آنان عمل نموده و این واقعیت سترونی تحلیل های آنان را بوضوح هر چه تمامتر عیان ساخته است.

آن جریانات سیاسی نیز که جنگ ایران و عراق را از جانب رژیم جمهوری اسلامی بخاطر "صدور انقلاب اسلامی"، کسب نقش "ژاندارمی در منطقه"، برقراری "جمهوری اسلامی در عراق" و یا چشم داشت وی به خاک این کشور و



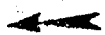
واقع شده، چه طبقاتی و بخاطر کدام اهداف درگیر آید و چگونه آنرا هدایت می‌کنند. تحلیل مارکسیستی بر خلاف تفکر نادرست ولی رایج در میان مردم علت جنگها را نه ناشی از "بخت طینت" فلان سرمایه دار و سیاست نادرست فلان رهبر بلکه ادامه منطقی سیاست آن طبقاتی میدانند که قبل از جنگ آنرا پیش برده اند و از آنجا که هر سیاستی بیان فشرده منافع اقتصادی طبقه معینی است آنچه در توضیح علت هر جنگی باید مورد توجه اصلی قرار بگیرد همانا تشخیص و توضیح آن منافع اقتصادی است که طبقه مفروض قبل از جنگ و در ایام جنگ آنرا دنبال نموده است و بدون شک مبادرت به صلح از طرف این طبقه زمانی میسر می‌گردد که دیگر جنگ پاسخگوی تامین منافع اقتصادی وی نباشد.

تاکنون در تحلیل هاشی که اکثر جریانات سیاسی از جنگ ایران و عراق ارائه نموده اند حتی اگر این تحلیل ها ظاهری بالنسبه منطقی داشته است اتفاقا آنچه نادیده گرفته شده و بحساب نیامده است واقعیت فوق الذکر بعنوان جوهر اساسی در تشریح و توضیح این جنگ بوده است از اینرو ارائه دهندگان آن تحلیلها آنجائیکه از نقش امپریالیستها صحبت به میان آورده و یا حتی

گفته اند که جنگ ایران و عراق بخاطر تامین منافع "بورژوازی" یا "بورژوازی امپریالیستی" برپا گردیده و تداوم یافته است هرگز قادر نبوده اند به توضیح و تشریح آن منافع اقتصادی بپردازند که "بورژوازی" مورد نظر آنها در طی جنگ خواستار تامین آن بوده است.

به واقع این نیروها در کوشش بیهوده خود برای توضیح جنگ ایران و عراق نه از لحاظ تامین منافع امپریالیزم بل بلحاظ تامین منافع رژیمهای ایران و عراق و یا بورژوازی دو کشور در عمل به آنجا رسیده اند که اساسا پایه اقتصادی جنگ را نفی نمایند. به این ترتیب آنهایی که جنگ ایران و عراق را به دلیل ضرورت "کشور گشائی"، "صدور انقلاب اسلامی" و "پان اسلامیسیم" جمهوری اسلامی قلمداد نموده اند هیچوقت نگفته اند و نمیتوانستند بگویند که جمهوری اسلامی بمثابه نماینده کدام نیروی اقتصادی و بسرای تامین چه منافع اقتصادی خواهان جنگ با عراق بوده است و اگر جمهوری اسلامی را رژیم سرمایه داری میدانند آن کدام سرمایه هایی است که با اشباح شدن بازار داخلی تحت عنوان صدور انقلاب اسلامی به بازار عراق و یا بازار کشورهای دیگر چشم دوخته و منافع خود را در تسخیر این

بازارها می‌دیده است؟ اگر واقعیت ملاک قضاوت است باید بدانیم که بازار داخلی هردو کشور در تصرف سرمایه های خارجی است و در شرایط بحرانی کنونی و تحت نظامهای موجود بورژوازی وابسته در هردو کشور از بر آورده کردن نیازهای اولیه بازارهای داخلی خویش نیز عاجز می‌باشد چه رسد به اینکه، آنها برای صدور سرمایه و فروش مازاد کالاهای خود نیاز به تسخیر بازار یکدیگر داشته و بر این اساس به جنگ متوسل گردند. ولی اگر در توضیح جنگ ایران و عراق وبالطبع در رابطه با برقراری آتش بس و مسئله صلح تشریح منافع اقتصادی نهفته در ورای آن امری ضروری است قبل از هر چیز با تکیه بر شرایط تاریخی - اقتصادی معینی که جنگ ایران و عراق در بستر آن بوقوع پیوسته باید این رهنمود دایمانه رفیق کبیر مسعود احمدزاده اکیدا مورد توجه قرار گیرد که: "در حقیقت تبیین هرگونه تغییر و تحولی در جامعه بدون آنکه به تضاد اصلی نظام موجود، یعنی تضاد بین خلق و سلطه امپریالیستی، توجه شود، تبدیل بیک چیز بوج و مهمل می‌گردد. و مسئله سلطه امپریالیزم را باید بطور ارگانیک و بمثابه زمینه هرگونه تحلیل و تبیین در نظر گرفت نه چون یک عوامل خارجی که بهر حال نقش دارد."



روک بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

واقعیت اینست که ما در عصر امپریالیسم و در شرایطی بسر میبریم که سیاست استعماری جهان را کاملاً به زیر سیطره خود درآورده و تقسیم اراضی جهان از طرف "بزرگترین کشورهای سرمایه داری" نه تنها ساهاست که به پایان رسیده بلکه امپریالیستها برای تجدید تقسیم این اراضی و گسترش مناطق نفوذ بارها جنگهای امپریالیستی خونین به راه انداخته اند، در شرایطی که "سیادت سرمایه بطور کلی به سیادت سرمایه مالی" تبدیل گردیده است، در شرایطی که سرمایه مالی تمامی کشورهای عقب نگاه داشته شده را در چنبره سلطه اهریمنی خود گرفته و رژیم های موجود در این کشورها اساساً وابسته به امپریالیسم میباشند. درک این واقعیت از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و در پرتو آن میتوان دریافت که چنین رژیم هائی دیگر نیروی مستقلی نبوده و حرکت آنان منطبق بر نقشه و برنامه هائی پیش میرود که خطوط کلی آن توسط امپریالیستها و اتفاقاً بدون شرکت آنها طرح ریزی گردیده است و حتی این رژیم های وابسته در اجرای برنامه های امپریالیستی مزبور تحت کنترل و نظارت امپریالیسم قرار دارند. برای مینا بدون در نظر گرفتن نقش قاطع و تعیین کننده امپریالیسم در اعمال سیاست های کلی در کشورهای تحت سلطه ارائه تحلیل علمی از آن سیاست ها

امکان ناپذیر میباشد و کسانی که به چنین کاری دست میزنند حتی اگر نقش امپریالیسم را بعنوان يك عوامل خارجی در تحلیل های خود در نظر گرفته باشند کار آنان در عمل جز فریبکاری و تطهیر چهره امپریالیسم نتیجه دیگری بسیار نخواهد آورد. بسا چنین دیدگاهی است که باید و میتوان مسئله جنگ ایران و عراق را مورد بررسی قرار داد و بر چنین اساسی است که میتوان گفت آن نیروهای سیاسی که روزی هزار بار برای توده ها توضیح میدهند که "جنگ" ادامه سیاست است اما بطریق دیگر ولی در همین جا درجائده و دیگر نمیگویند سیاست کدام طبقات و در کدام شرایط تاریخی - اقتصادی و جنگ ایران و عراق را به سیاست رژیم جمهوری اسلامی و حداکثر بورژوازی ایران نسبت میدهند آنهم بدون تعیین وابستگی جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران به امپریالیسم، تنها خاک به چشم کارگران و توده های ستمدیده میباشند و آنها را از درک کنه واقعیت باز میدارند.

آری جنگ ادامه سیاست است اما در عصر امپریالیسم با توجه به وابستگی های عمیق کشورهای تحت سلطه به امپریالیستها و این واقعیت که رژیم های بر سر کار این کشورها جز سگان زنجیری امپریالیسم و مجریان حلقه به گوش سرمایه انحصاری نمیباشند اگر سیاست خارجی کشور تحت سلطه انعکاس و دنباله سیاست داخلی آن میباشد

اما همین سیاست داخلی قبل از هر چیز خود انعکاس و دنباله سیاست خارجی امپریالیسم است. حال اگر در نظر بگیریم که رژیم جمهوری اسلامی علیرغم همه هیاهوهای ضد امپریالیستیش رژیمی وابسته به امپریالیسم و به خصوص وابسته به امپریالیسم امریکا میباشد و اگر توجه کنیم که امپریالیسم امریکایی از جنگهای جهانی دوم که به اعتبار قدرت اقتصادی خویش و با توجه بسسه فرسودگی و ناتوانی دیگر امپریالیستها در جریان جنگ، بسیاری از مناطق و از جمله ایران را تحت سیطره خود گرفته و بسا سازماندهی "ارتش شاهنشاهی" و تجهیز آن بسسه سلاحهای مدرن امریکائی و آموزش این ارتش بوسیله مستشاران نظامی سلطه خود را هر چه بیشتر تحکیم نمود و امروز افسار این ارتش را علیرغم تغییر نامش به "ارتش جمهوری اسلامی" همچنان در دست دارد و اگر توجه کنیم که سرمایه های امریکایی پس از جنگ جهانی دوم و امروز نه تنها در مناطق نفوذ امپریالیستها کهن بلکه حتی مثلاً در خود انگلستان و آلمان و فرانسه نیز نقش مهمی بدست آورده اند و بالنتیجه در زدوبندهای امپریالیستی عمدتاً این امریکاست که حرف آخر را میزند میتوانیم تاکید کنیم که جنگ ایران و عراق هرگز نمیتوانسته است بدون آنکه



سیاست امپریالیستها و بخصوص امپریالیسم امریکا آنها را ایجاب نماید صورت واقع بخود گرفته و به مدت ۸ سال تداوم یابد و در این رابطه رژیم جمهوری اسلامی جز مجری سیاستهای امپریالیستی در منطقه نبوده است.

همچنین در چگونگی پیشبرد جنگ ایران و عراق باید به نقش شوروی بمثابه یک قدرت جهانی اشاره نمود که پس از غلبه رویزیونیسم در این کشور انترناسیونالیسم پرولتری را به کناری نهاده و زیر پوشش دفاع از "راه رشد غیر سرمایه داری" در واقعیت به رشد و تحکیم بورژوازی وابسته در کشورهای مختلف بسیاری رسانده و همواره کوشیده است تحت عنوان "تشنج زداین" به زدوبند با امپریالیستها پرداخته و اختلافات خویش را با آنان در عیاب خلق ها و در مذاکرات مستقیم فی مابین حل و فصل نماید. برای این اساس در جنگ ایران و عراق نیز شوروی به همراه دیگر همپالکی های رویزیونیستش با سیاست پیشبرد جنگ از طرف امپریالیستها موافقت نموده بطوریکه میتوان گفت: نبض این جنگ در مسیر ۸ ساله خود در دست نیروهای امپریالیستی و رویزیونیستی قرار داشته است.

در رابطه با تامین منافع اقتصادی مشخصی که امپریالیستها با پیشبرد جنگ ایران و عراق تعقیب نموده اند سودی که از این راه نصیب رویزیونیستها

میکردد همانطور که بارها تاکید داشته ایم مسئله را باید اساسا در رابطه با بحران عمومی اقتصادی دامنگیر امپریالیسم ورکود حاکم بر اقتصاد این نظام محضر توضیح داد.

ما تاکنون در آثار خود بارها مکانیزمهای را که امپریالیستها طی آن با سرازیر کردن ملاحهای مرکب از خویش به میدانهای جنگ ایران و عراق و انجام اقدامات گوناگون برای جلوگیری از عرضه بیشتر نفت به بازارهای جهانی و کنترل قیمت آن به نفع کارتلهای بزرگ نفتی در جهت تخفیف بحران های دائمی التزاید خویش بکار گرفته اند. تشریح نموده و نشان داده ایم که چگونه امپریالیستها به قیمت سرشکن کردن بار بحران های خود برگزیده توده های ستمدیده منطقه و بخصوص توده های دوکشور ایران و عراق سندهای سرشاری را نصیب خود ساخته اند و مثلا چگونه با تشنج آفرینی در خلیج فارس سندهای میلیونی به جیب شرکتهای بیمه ریخته شده است و آنها حتی با عافیت جوشی زمینه های بکار انداختن وسیع سرمایه های خود را در بازسازی صنایع و اماکن خراب شده و شهرهای ایران در طی جنگ تدارک دیده اند، همچنین ما نشان داده ایم که امپریالیستها علاوه بر اغراض اقتصادی از جنگ ایران و عراق در جهت حفظ و تحکیم نظام های وابسته به خود در منطقه مقاصد سیاسی چندی را نیز که

بالتبع در خدمت تامین منافع اقتصادی آنها قرار دارد تعقیب می نمودند، سرکوب انقلاب که بر زمینه بحران های امپریالیستی، و تشدید هرچه بیشتر تضاد خلق و امپریالیسم، چشم انداز رشد هر چه دامنه دارتری در مقابل آن قرار دارد و هراس و وحشت بیحد امپریالیستها از تلا لو فسردهای روشن این انقلابها، اصلی ترین دلیل سیاسی جهت برپائی جنگ حمایت بار ایران و عراق از طرف آنها بوده است. و در همین رابطه نیز استفاده آنان از شرایط ناشی از جنگ جهت میلیناریزه کردن هر چه شدیدتر منطقه، تقویت ارتشهای سرکوبگر بومی و ایجاد زمینه های برای دخالت مستقیمشان برای سرکوب انقلاب خلقهای منطقه در مواقع مقتضی را باید در نظر گرفت. اینها نتواند آن دلایل اقتصادی و ایضا سیاسی که جنگ امپریالیستی ایران و عراق را موجب گشتند و امپریالیستها و سگان زنجیریشان در طی آن با ارتکاب به فجیعترین جنایات بشری سندهای کلانی را از دسترنج کارگران و زحمتکشان منطقه به جیب زدند.

و در طی چنین جنگی بود که شوروی با ارسال پیشرفته ترین سلاحهای زرادخانه خود به میدانهای جنگ ایران و عراق و شرکت در کشتار میلیونها انسان بیگناه، و استقرار نیروهای نظامی خود در منطقه ضمن نشان دادن چهره آن سوسیالیسمی



امپریالیستها میباشد و از آنجا که جنگهای همانند جنگ ایران و عراق یکرأزوسائل مهم نیل به این هدف میباشد از این لحاظ امپریالیستها هرگز بنابه تمایل خویش خواهان فروکش شعله های خانمانسوز جنگ ایران و عراق نبوده اند و اگر امروز آتش بس در جبهه های جنگ برقرار گشته و روند قضایا حکم برپایان جنگ میدهد این امر را باید گواهی بر استیصال و درماندگی امپریالیستهای در حال احتضار بحساب آورد. حال برای درک علل این اوضاع باید کمی به گذشته برگردیم.

با نگاهی به روند یکساله اخیر جنگ به همانگونه که پیش از این در رابطه با رویدادهای مکه و کویت و جنگ نفتکشها در خلیج فارس یاد آور شده بودیم، مسائل چندی با برجستگی هرچه بیشتری خود را نشان میدهند. تشنج آفرینی های جمهوری اسلامی در خلیج فارس و سرشاخ شدن وی با عربستان و کویت همانطور که میدانیم به تشدید جنگ نفتکشها و ایجاد هرچه بیشتر زمینه جهت حضور نظامی ناوگانهای امپریالیستها و ریز یونیستهای در آبهای خلیج فارس و اسکورت نفتکشها توسط آنان انجامید. در چین بستری بود که هر روز نفتکش غول پیگیری در آبهای خلیج فارس دچار حریق میگردد و ضمن به آتش کشیده شدن "اضافه تولیدی" که حمل

صورت تامین اغراض امپریالیسم از آن و در صورتیکه امپریالیستها تداوم آنرا مفید تشخیص ندهند علیرغم همه هیاهوهای جمهوری اسلامی این جنگ حتی یکساعت نیز ادامه نخواهد یافت. تداوم ۸ ساله جنگ نه فقط بروشنی صحت ارزیابی ما را ثابت نمود بلکه اکنون که اعلام آتش بس در جبهه های جنگ اتفاقا در میان هیاهوهای جنگ طلبانه جمهوری اسلامی رخ داده است بوضوح آشکار می گردد که ابراز چنان تحلیلی در آن زمان تنها میتوانسته است با وقوف به ماهیت امپریالیستی جنگ ایران و عراق میسر باشد. از اینرو در توضیح اوضاع کنونی نیز برای آنکه بتوان تحلیلی بواقع علمی و درست ارائه نمود باید بر ماهیت امپریالیستی جنگ ایران و عراق تکیه نموده و قبل از هر چیز نشان داد که تا مین منافع امپریالیستها در رابطه با این جنگ امروز در چه چیزی نهفته است و چه عواملی میتوانسته اند علیرغم تمام فوایدی که این جنگ برای آنها در برداشته است باعث شوند که امروز آتش بس در جبهه های این جنگ برقرار گردد. در این رابطه آنچه باید بطور قاطع مورد تاکید قرار گیرد این است که بدلیل عدم فروکش بحران های امپریالیستی و رشد روز افزون مبارزات توده های خاورمیانه سرشکن کردن بار این بحران ها بر دوش خلقهای منطقه و سرکوب انقلاب کماکان سیاست

که امثال گورباچف ها مدافع آن بوده و از آن بعنوان "سوسیالیسم واقعا موجود" دم میزند، کلاهی از این نمذ برای خویش دوخت. اکنون با برقراری آتش بس در جبهه های جنگ ایران و عراق روند دیگری در رابطه با این جنگ آغاز شده است و از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی با تغییر موضع ناگهانی تن به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل داده و خمینی سفاک پس از آنهمه اعزاز و اکرام جنگ و تاکید بر ضرورت تداوم آن با سرکشیدن جام زهر مجبور گشته است آبروی نداشته خود را با "خدای" خویش یعنی امپریالیسم معامله کند، در همه جای این سؤال مطرح است که آیا روند جدید بواقع به پایان جنگ خواهد انجامید و یا اقدام جمهوری اسلامی را باید مانور دیگری از سلسله مانورهای دغلكارانه این رژیم تلقی نمود؟

مادر تحلیلی که در همان آغاز جنگ ایران و عراق در رابطه با این جنگ در اختیار جنبش انقلابی خلقهایمان قرار دادیم ضمن انتقاد به نظریه های سیاسی همچون "اقلیت" که جنگ مزبور را بدون تکیه بر نقش امپریالیسم صرفا با بررسی شرایط حاکم بر دو کشور کوتاه مدت ارزیابی مینمودند مطرح ساختیم که به هیچوجه نمیتوان از کوتاه مدت بودن جنگ سخن گفت و در عین حال توضیح دادیم که بدلیل ماهیت امپریالیستی این جنگ در

نفتی این دو کشور امپریالیستها را به طرحریزی توطئه جدیدی بر علیه خلقهای عربستان و کویت تشویق نمود، و دیدیم که چگونه رژیم مزدور جمهوری اسلامی با تشنج آفرینی در منطقه در جهت اجرای این طرح گام برمیداشت. ما در نوشتجات قبلی خود در مورد چگونگی این طرح امپریالیستی و مکانیسمهایی که طی آن امپریالیستها در حین تخفیف بحرانهای خویش بسودهای کلانی دست مییافتند را توضیح داده ایم، در اینجا باید یادآور شویم که اگر تداوم جنگ و تشنج آفرینی های جمهوری اسلامی سودهای میلیاردی نصیب امپریالیستها میساخت اما در همانحال با تشدید اوضاع فلاکتبار اقتصادی دو کشور آنها را بیش از پیش با مشکلات عدیده اجتماعی مواجه میساخت. نتایج به اوضاع ایران خود دلیل مهمی بر این مدعاست.

بابه وخامت گرانیدن هرچه بیشتر اقتصاد بحران زده ایران، رژیم جهت پرکردن کیسه خالی خویش و تامین هزینه های جنگ بیش از پیش به سیاست اخاذی از توده های بطرق و شیوه های مختلف پای فشارد که مسلما در پی خود و در کنار عوامل متعددی دیگر نارضایتی شدید توده ها را از رژیم جمهوری اسلامی فراهم ساخت ولی بیکبری این سیاست با همه مشکلاتی که بر سر راه آن قرارداد است هنوز به تنهایی پاسخگوی نیازهای

دو طرف درگیر (ایران و عراق) در طی جنگ ویرانگر و طولانی فیما بینشان جستجو نمود. واقعیت این است که درآمد دو کشور اساسا به ارزش حاصل از فروش نفت متکی است ولی در شرایطی که بازارهای جهانی از نفت اشباع گردیده و به تبع آن نفت تولید شده در این کشورها بناچار نمیتوانست از حد معینی بالاتر رود، با کاهش قیمت نفت و تنزل ارزش دلار درآمد آنها شدیداً افت نمود. در چنین اوضاعی تحمیل بار مخارج سنگین جنگی به بزرگی این جنگ چه در رابطه با خرید ابزار آلات جنگی و چه در رابطه با تامین هزینه های مربوط به جبهه های جنگ و مخارج امورات دیگر اقتصاد دو کشور را در وضعیت وخامت باری قرار داد. تا آنجا که بنا به گزارش خبرگزاریها مثلا اکنون عراق به صورت یکسری از کشورهای مقروض جهان با بدهی ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار در آمده است. و کسر بودجه جمهوری اسلامی نیز زیانزد عام و خاص است در نتیجه با توجه به اوضاع وخامت بار اقتصادی دو کشور معلوم گردید کیسه کیسه آنها بیش از آن خالیست که بتوانند همچون قبل پاسخگوی شکم سیری ناپذیر امپریالیستها گردند. اما اگر دو طرف درگیر برای تقبل هزینه های سرسام آور جنگ در وضعیت بدی بسر میبرند برعکس عربستان و کویت بعنوان دو کشور ثروتمند منطقه بیش از پیش مورد توجه امپریالیستها قرار گرفته و درخشش برق دلارهای

میگرد در همان حال سرخ بیمه کشیرانی به شکلی بر سابقه افزایش مییافت که با احتساب هزینه بسیار گزاف اسکورت نفتکشها روند فوق در حد خود باعث عرضه کمتر نفت به بازار جهانی و بالا رفتن یا تثبیت قیمت این کالا که پیش از آن بسیار سقوط کرده بود گردید. ولی این رویدادها و نتایج ناشی از آن در حالی که سودهای کلانی را نصیب کارتلها و تراستهای امپریالیستی نمود بر کرده عربستان و کویت که دارای ذخایر غنی نفتی میباشند، هزینه های گزافی را متحمل ساخت بطوریکه میتوان گفت یکی از دلایل مهم جنگ نفتکشها و رویدادهای مربوط به آن توطئه امپریالیستی برای بیرون کشیدن دلارهای نفتی از دست حکام عربستان و کویت بود که رژیم جمهوری اسلامی بعنوان مجری سیاستهای امپریالیسم در منطقه با زمینه سازی برای گسترش جنگ در جهت آن میکوشید ولی در ورای این واقعیت، واقعیت دیگری نیز وجود داشت. چرا در شرایطی که جنگ در جبهه های ایران و عراق افت کرده و عبارت "بن بست جنگ" وارد زبان محافل کوناگون امپریالیستی و محافل سیاسی دیگر که سرتیتر نشریاتشان را با آن مزین میکردند گردیده بود، میبایست برای کشیدن هرچه بیشتر پای کویت و عربستان به جنگ ایران و عراق زمینه چینی شود؟ در اینجا کنگه مسئله را باید در خالی شدن کیسه

ارتجاعی رژیم نبود و او ناچار بود برای تامین نیازهای ماشین جنگی عظیمش بسه بورژوازی غیر-بوروکرات روی آورده و آنرا نیز سرکپه نماید ولی این امر و در عین حال دست اندازیهای هر چه وسیعتر دولت به حوزه های مختلف تولید و مبادله باعث رشد هر چه بیشتر تضادهای درونی طبقه حاکم گردید. مقاومت بر علیه "جهاد مالی" و سیاستهای مالیاتی رژیم از طرف این بخش از طبقه حاکمه که گاه دولت را مجبور به عقب نشینیهای محدودی نیز مینمود از جمله مواردی است که به روشنی مخالفت بخش خصوصی را با سیاستهای دولت بیان نموده و نشان میدهد که تداوم جنگی به اعتبار دست اندازی هر چه بیشتر به "نقدینگی" بخش خصوصی و ایجاد مشکلاتی بر سر راه گسترش فعالیت او در تمامی حوزه هائی که مایل بود نمیتوانست باعث مخالفت بخش از طبقه حاکمه با سیاست مزبور نگردد و این همان چیزی است که در دستگاه دولت به شکل تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه منعکس گشته و شکاف در "بالائیها" را هر روز عمق بیشتری میبخشد.

ما در اطلاعیه سازمان "پیرامون تغییر و تحولات اخیر در جنگ ایران و عراق" در مورد ابعاد این مسئله و تاثیرات آن در

پیشبرد سیاستهای دولت و همچنین در مورد اثرات جنگی در تعمیق هر چه بیشتر تضاد خلق با امپریالیسم و سکان زنجیریش تا حدودی توضیح داده ایم در اینجا به اختصار باید بگوئیم که هشت سال جنگی در روند خود عناصر متضاد خود را بار آورده بود، اگر در آغاز میشد با تبلیغات شوونیستی و مذهبی توده های ناآگاه را برای قربانی شدن در مسلخ های جنگی، بسیج نموده و به این طریق بخشی از نیروهای جامعه را که باید در شرایط بحرانی موجود در خدمت مبارزه ضد-امپریالیستی قرار گیرد از صحنه خارج کرد، اگر در آغاز میشد از جنگی بمشابه وسیله ای برای انحراف اذهان توده ها از نابسامانیهای کشور و عامل اصلی آن یعنی نظام موجود استفاده نمود و سرکوب انقلاب را تشدید کرد اما با تداوم جنگی گرایشات صلح خواهانه هر چه بیشتر در توده ها رشد یافت و باعث مقاومت وسیع آنها در قبال سیاستهای جنگی طلبانه رژیم از جمله سیاست سربازگیری او گردید که در مورد اخیر تنها و جنود هزاران مشمول فراری در سطح کشور که امروز رژیم از سر استیصال حتی مجازات اعدام برای آنان در نظر گرفته است مؤید این امر است و نشان میدهد که بواقع ذکر این مطلب از طرف ما که "کفگیر بسیج رژیم به ته دیگ

مرگ بر جنگ امپریالیستی برقرار باد صلحی دمکراتیک



گفته وبا "جسارت" به نامه نگاری میپردازند. بنا بر این آشکار میکرده که چگونه جنگی که ممکن بود در آغاز موقتا از حدت پاره ای از تضادها بکاهد، در تداوم خود موجب تشدید تضادها گشته و هر روز که میگذرد این تضادها را با شدت هرچه بیشتری در سطح جامعه منعکس میسازد و بالنتیجه جنگی که از جمله برای سرکوب انقلاب سازمان یافته بود میرفت که در روند خود با آماج قرار دادن سلطه امپریالیستی از طرف توده ها آتش انقلاب را هرچه بیشتر شعله ور سازد.

اگر و خامت اوضاع اقتصادی دو کشور در گیرونه کشیدن کیسه شان در طی جنگی موجب زمینه سازی جهت گسترش آن و چپاول هرچه بیشتر خلیجهای عربستان و کویت گردید. امپریالیستها علاوه بر بهره برداریهایی که به آنها اشاره شد به دستاویز جنگی در خلیج فارس و مورد تهدید قرار گرفتن کویت و عربستان از جانب جمهوری اسلامی موفق به عقد چنان قراردادهای نظامی عظیمی با دو کشور اخیر گردیدند که با توجه به ارقام میلیارد دلاری این قراردادها آنها را باید جزء بزرگترین قراردادهای امپریالیستها با کشورهای تحت سلطه به حساب آورد که خود یکی از بزرگترین خدمات رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و جنگی ایران و عراق به انحصارات امپریالیستی

محسوب میشود.

به این ترتیب در حالیکه امپریالیستها از قبیل جنگی ارتجاعی ایران و عراق میلیاردها دلار سود برده و از آن، جهت فائق آمدن بر بحرانهای خود و در جهت پیشبرد سیاستهایشان در منطقه استفاده نمودند، در شرایط رشد بحرانهای اقتصادی در دو کشور و عواقب ناشی از آن و سرکیسه شدن بیش از پیش آنان، تداوم این جنگی دیگری فقط نمیتواند کارآئی قبلی را داشته باشد بلکه باز مینه سازی برای گسترش انقلاب میتواند سلطه امپریالیستی را با خطرات هرچه جدیتری مواجه سازد. بر این اساس اکنون منافع امپریالیستی حکم به تغییر سیاست امپریالیستی تداوم جنگی میدهد، جنگی باید قطع شود تا ضمن حفظ سلطه امپریالیستی روند دیگری جهت چپاول دسترنج توده های ستمدیده آغاز گردد. چرا که سیاست امپریالیستها در هر صورت سیاست اسارت خلقهاست. این روند جدید اکنون تحت عنوان بازسازی مناطق جنگی شروع شده و زمینه ای است که با توجه به وسعت خرابیها و ویرانیهای ناشی از جنگی سرمایه های امپریالیستی میتوانند هرچه گسترده تر در آن تحرك داشته باشند.

بدون شك در بررسی امر صلح در جنگی امپریالیستی ایران و عراق همچون تداوم ۸ ساله این جنگی باید به موضع شوروی در قبیل این مسئله در شرایط کنونی توجه کرد. همانطور که تاکنون نشان داده ایم

جنگی ایران و عراق در توافق امپریالیستها با رویزیونیستهای شوروی برپا گشته و تداوم یافته است و اکنون باید دید آنان در مقابل خاتمه دادن به جنگی چه موضع دارند نگاه می کنند. رویدادهای چند در بهینه جهان پس از مذاکرات گورباچف و ریگان از جمله وقایع مربوط به آنکولا، نایبیا، افغانستان، کامبوج و... نشان میدهد که در سطح جهان بر روی "مسائل منطقه ای" توافقاتی بین امریکا و شوروی صورت گرفته است در این مورد یکی از مقامات دولت امریکا اظهار کرده است "اگرچه برای حل اختلافات منطقه ای همکاری با شوروی استراتژی سنجیده ای نیست ولی نباید انکار کرد که امریکا و شوروی در کاهش دادن به بحران امروزی جهان منافع مشترکی دارند و ادامه همکاری با شوروی در جهت حل اختلافات منطقه ای یکی از راههای کاهش این بحران میباشد... و در همین زمینه یکی از مقامات شوروی گفته است "در شیوه تفکر جدید ما برای کاهش بحران جهان جدالهای منطقه ای نباید از میان برداشته شوند و برای پیاده کردن چنین تفکری ما با امریکا همکاری میکنیم" (نقل از میامی-هرالد ۱۶/ می ۱۹۸۸) حال اگر توجه کنیم که در مذاکرات ریگان و گورباچف بنابه اذعان طرفین یکی از موارد مهم مورد مذاکره "مسائل منطقه ای" و در راس آن جنگی ایران و عراق





با توطئه های مختلفی که ممکن است امپریالیسم جهت فریب توده ها بوجود آورد مقابله کنیم. چه بسا که با توجه به تغییر سیاست امپریالیسم در رابطه با جنگ تحولاتی نیز در هیئت حاکمه بوجود آید و بهمانگونه که ما قبلا گفته بودیم اگر امپریالیستها بخواهند با جابجاش مهره هاموقعیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را تحکیم بخشند، باید برای وقوع احتمالی این چنین اموری آمادگی داشت و از آن در جهت نابودی رژیم سود جست. دشمنان ما امروز برای حفظ سلطه منحوس خویش به هر توطئه و جنایتی دست میازند ولی در فردای روشن مبارزات خلقهای قهرمان ما برقراری جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر برای گذار به سوسیالیسم قرار دارد، باید با تمام نیرو برای رسیدن به این هدف مبارزه کنیم چرا که پیروزی از آن خلقهاست.

که تا زمانیکه سلطه امپریالیسم و سگهای زنجیریش در ایران پابرجاست سیاست حاکم همانا سیاست امپریالیستی خواهد بود و بالنتیجه هر زمان منافع آنان ایجاب کند باز هم کشور ما را درگیر جنگی خونین خواهند ساخت و تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بمثابه سگ زنجیری امپریالیسم و نابودی سلطه امپریالیسم در ایران میتوان به صلحی دمکراتیک و انقلابی دست یافت که تامین کننده کامل منافع خلقهای ما خواهد بود و صلح دمکراتیک یعنی صلح بدون الحاق، یعنی صلح بدون ستم به خلقها، یعنی صلح بدون غارتگری و بدون در برداشتن نطفه جنگهای جدید.

از این رو باید با ایمان هر چه راسختر به نابودی محتوم تمام مرتجعین تاریخ با انرژی هر چه زیادتر مبارزه خود را در جهت سرنگونی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی شدت بخشیم و در عین حال

قرار داشته است، مرتوانیسم دریابیم که برقراری آتش بس در جبهه های این جنگ از جمله موارد مورد توافق امریکا و شوروی بوده است و بنابراین میتوان گفت امپریالیستها در پایان دادن به جنگ ایران و عراق همچون شروع آن در توافق با رویزیونیستها عمل کرده اند. خلاصه کنیم: جنگ امپریالیستی ایران و عراق با تمام فجایع خونباری که در طی ۸ سال بهار آورد و یکبار دیگر جبهه کربه امپریالیسم را در انظار جهانیان بنمایش گذاشت، امروز با برقراری آتش بس در جبهه های آن در روند پایانی خود قرار گرفته است. در خاتمه دادن به این جنگ خونین توده های مبارز ایران با مقاومت قهرمانانه شان در مقابل سیاستهای ارتجاعی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و با مبارزات پیگیر خود بر علیه جنگ، نقش بسزائی ایفاء کرده اند که خود موفقیت بزرگی برای خلقهای ما میباشد با اینحال آنچه در فردای قطع کامل جنگ برقرار میشود صلحی دمکراتیک یعنی صلحی که تماما مبین منافع توده ها باشد نخواهد بود. خلقهای مبارز ما مسلما در طی ۸ سال جنگ با مصائبی که از سر گذرانده اند به تجارب گرانبھاشی دست یافته و آگاهی انقلابی خود را هر چه بیشتر ارتقاء داده اند آنها باید در پرتو این آگاهی و با نصب العین قرار دادن تجارب خویش بدانند

با ما مکاتبه کنید

خوانندگان مبارز "پیام فدائی" برای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما تکیه داریم. نظریات، انتقادات، پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکوشید با مکاتبه با نشریه رابطه فعالتری با ما برقرار کنید. بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به توده ها و به هوادارانانش متکی باشد.

کشتار زندانیان سیاسی

جلوه‌ای از یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به انقلاب

از صفحه ۱

تعمیر و احیای جمهوری اسلامی به انقلاب فدائیریالیستی خلقهای مبارک و کشتار زندانیان سیاسی آنها پس از عقب نشینی مقتضای این رژیم از جبهه‌های جنگ امپریالیستی و چشم پوشی از شعارها و اهداف ادعائی اش در جنگی که در ۸ ساله اخیر صدها هزار تن از جوانان کشور در مسلخ‌های آن بسرای باصطلاح تحفوق آن اهداف قربانی شدند، بروشنی بیانگر این واقعیت است که یکی از دلایل مهم امپریالیستیها در اعمال آتش بس در جنگ ایران و عراق رشد نفرت و اعتراض توده‌ای از این جنگ و هراس و وحشت امپریالیستیها و نوکرانشان از اوج گیری مبارزات توده‌ها بوده است بر این مینا جای تعجب نیست که رژیم منحوس که هنوز عریده‌های "جنگ جنگ تاپیروزی" او در همه جا طنین افکن بود با دستپاچگی و با وضع ذلت باری تن به پذیرش آتش بس داد.

اوج گیری نفرت و انزجار توده‌ای و رشد اعتراضات مردمی از جنگ امپریالیستی ایران و عراق و جمهوری اسلامی و تشدید تضادهای درونی رژیم او را در آنچنان موقعیت وخیمی قرار داده است که این مزدوران ضمن

سراسر کشور منجر گردید و در این رابطه بویژه زندانیان سیاسی ای که گاه سالها از محکومیت آنها می گذشت به فجیع ترین شکلی به میدانهای تیر فرستاده شدند.

در این رابطه تاکنون در شهرهای مختلف کشور از جمله در شهرهای همدان، تهران، اصفهان، کرمانشاه، گیلانغرب، مشهد، تبریز، کرج و سنجند تعداد زیادی از مبارزین و از جمله زندانیان سیاسی آزاد شده، دستگیر گردیده و بلافاصله زیر وحشیانه ترین شکنجه‌های ممکنه قرار گرفته و یا وحشیانه به جوخه‌های اعدام سپرده شده اند. بر اساس گزارشات موجود رژیم در سیاهچالهای اویسن، کوهردشت، کمپته، قزل حصار، دیزل آباد، کرمانشاه، عادل آباد شیراز و وکیل آباد مشهد ضمن قطع ملاقات زندانیان سیاسی با خانواده هایشان به اذیت و آزار آنها پرداخته و عده ای از زندانیان مزبور را اعدام نموده است. در ادامه همین روند رژیم جنایتکار ضمن تشدید تضیقات بسیار، تعدادی از زندانیان سیاسی را به سلولهای انفرادی برده و ضمن گرفتن وصیت نامه از آنها، قصد تیربارانشان را دارد.

جنایتکار رژیم هر يك به شكلی به صحنه آمده و خواستار "قاطعیت" هرچه بیشتر ارگانهای سرکوب جمهوری اسلامی بر علیه سازمانهای انقلابی و زندانیان سیاسی شدند. برای نمونه مقتدائی سفاک عضو و سخنگوی شورای عالی قضائی رژیم در يك مصاحبه مطبوعاتی ضمن تاکید بر اعمال فشار هرچه وسیعتر بر زندانیان سیاسی از کلیه دادگاهها و دادرهای رژیم خواست تا در مبارزه بر علیه باصطلاح گروهکها با "قاطعیت" هرچه بیشتری عمل کنند.

پیام مقتدائی که از سوی اردبیلی و خامنه‌ای نیز تکرار گردید بار دیگر سیاست ضد خلقی جمهوری اسلامی در رابطه با خواستهای توده‌های ستمدیده را با وضوح تمام آشکار ساخته و نشان داد که این رژیم جز با زبان سرنیزه سخن نمیگوید و در مقابله با جنبش انقلابی خلقهای ما و سرکوب خونین انقلاب از هیچ جنایتی فرو گذاری نمی نماید و از آنجا که مفهوم "قاطعیت" در فرهنگ سرکوبگرانه این رژیم جز تشدید فشارها و دستگیریها و اعدامها معنای دیگری ندارد در عمل نیز این پیام شوم به موج از دستگیریها و اعدامها در

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

عجزولابه در مقابل اربابان امپریالیستشان و ضمن پذیرش آتش بس برای حفظ و بقای رژیم ننگینشان مجبور به نمایش "قاطعیت" خود گشته و به چنین تعرضی گسترده به صفوف انقلاب متوسل گردیده اند.

از آنجا که رابطه منطقی ای بین سرکوب و کشتار زحمتکشان و پشاهانگانشان توسط رژیم و ابعاد گسترش اعتراضات عموم و سطح مبارزات توده ها وجود دارد و از آنجا که هر چه رژیم های ضدحائقی بیشتر احساس خطر نمایند بسا توحش و بربریت بیشتری به انقلاب یورش می برند و در نتیجه تعرض گسترده کنونی خود بروشنی گواه ابعاد مقاومت و اعتراضات توده ای در کشور بوده و این جنایات در حالیکه خشم و نفرت هر انسان آزاده ای را بر می انگیزد در همان حال مقاومت حماسی خلقهای ما و فرزندان انقلابیش در مقابل دگی از وحشیانه ترین و منظم ترین سرکوب های طول تاریخ را در مقابل جهانیان قرار میدهد.

اگر پس از ۲۰ خرداد سال ۶۰ رژیم وابسته بامپریالیزم جمهوری اسلامی برای غلبه بر جنبش انقلابی خلقهای ما به آن یورش همه جانبه و به آن کشتار سبعانه متوسل گردید و حتی مریایست جنایات خود را علنا به نمایش بگذارد. هم اکنون نیز که این رژیم به برپا کردن چوبه های دار در میادین شهرها

روی آورده و پس از چند سال سکوت، اعدامهای ددمنشانه خود را رسماً اعلام میکند بروشنی میتوان دریافت که رژیم در چه اوضاع بحرانی ای قرار گرفته و با چه اعتراض وسیع مردمی روبروست که برای ایجاد فضای رعب و وحشت باید این چنین جنایات خود را به نمایش بگذارد. و حدود هزار زندانی سیاسی را در سباهالهای خود در گوشه و کنار کشور به خاک و خون بکشد. واقعیت اینست که "قاطعیت" رژیم دقیقاً انعکاسی از وحشت او از نفرت و انزجار و اعتراض میلیونها زحمتکش است که در هر گوشه این سرزمین در انتظار نابودی جمهوری اسلامی هستند. میبرند.

رژیم ضدخلقسی جمهوری اسلامی در سازمان دادن این تعرض وحشیانه و توسل به این جنایات بی شرمانه در جهت حفظ بقای خود در ضمن بسا همه انحصارات امپریالیستی و سرمایه داران زالوصفت نیز نشان میدهد که همچون گذشته آماده است در جهت منافع آنها یعنی برقراری "ثبات و آرامش" به هر وسیله ای متوسل گردد. چرا که بپذیرش آتش بس و آغاز مذاکرات برای برقراری صلح انحصارات رنگارنگی امپریالیستی به تکاپو افتاده اند تا تحت عنوان بازسازی مناطق جنگی و غیره از استثمار و غارت بی حساب توده های ستمدیده ما سهم هرچه بیشتری نصیب خود ساخته و از این نمد کلاه هر چه

بزرگتری برای خود بدوزند. اگر تا دیروز رژیم در اجرای سیاست امپریالیزم بر طبل جنگ می کوبید و میلیاردها دلار ثروت این کشور را برای تامین تسلیحات مورد نیاز ماشین جنگیش به جیب انحصارات امپریالیستی سرازیر می نمود حال نیز باید در چهار چوب تامین همان مصالح و منافع امپریالیستی بپذیرش آتش بس و ریزش پرچم "بازسازی" میلیاردها دلار دیگر از ثمره استثمار و غارت زحمتکشان را به جیب اربابان خود جاری سازد، اما یکی از الزامات این امر بدون تردید وجود "ثبات و امنیت" مورد نیاز سرمایه داران زالوصفت میباشد.

پس باید عقب نشینی در جبهه ها با تعرض هرچه وسیعتری بسا انقلاب توأم کرده تا به اعتبار کشتار صدها کمونیست و مبارز شرایط مورد نظر اربابان جمهوری اسلامی مهیا گردد و حال است که امپریالیستها در این زمینه روشن سخن میگویند. برای نمونه صدای امریکسا در نهم تهریور اعلام کرد: "ثبات سیاسی در ایران برای تلاشهای بازسازی در آن کشور حائز اهمیت است فوق العاده ای است" و یا از قول یکی از کارشناسان مسائل خاورمیانه همین رادیو میگوید: "اگر جمهوری اسلامی نتواند امنیت خارجی ها را در ایران تضمین کند کمتر کسی برای سرمایه گذاری

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

مقابل تعرضات وحشیانه امپریالیستها و سگان زنجیریشان می باشد در همان حال وظیفه ای انقلابی در مقابل سر انسان آزاده ای قرار میدهد که همانا تشدید و گسترش مبارزه بر علیه رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی در جهت سرنوشتی رژیم است که جز به زبان سرنیزه سخن نمیگوید و بروشنی نشان داده که تنها راه ناپودی قطع می او و اربابان امپریالیستش و تنها راه رسیدن خلقهای در زنجیر ما به آزادی همانا مبارزه مسلحانه می باشد.

و ادعاهای گوناگون در این زمینه و چه پذیرش آتش بس و چار و چنگال در باره "بازسازی" همه و همه در چهار چوب تامین منافع امپریالیستها و سرمایه داران وابسته ای است که از قبل غارت و استثمارکارگران و توده های ستمدیده ما به زندگی انگلی خود ادامه داده و هر روز به سرمایه های خویش مافزایند.

جنايات اخير رژيم چه در سطح جامعه و چه در سياهچالهايش اگر نشاندهنده مقاومت حماسی خلقهای ما در

و یا کار به ایران خواهد رفت." با توجه به این واقعیت میتوان بار دیگر رژیم باصطلاح ضد امپریالیست جمهوری اسلامی را در حال اجرای سیاستهای امپریالیزم نشان داد و بروشنی دستان خون آلود امپریالیستها که از آستین جمهوری اسلامی بیرون آمده و وحشیانه به کشتار مردم ما دست زده است را افشاء نمود و رابطه عقب نشینی در جبهه ها با تعرض به انقلاب را برای توده ها بطور واقعی تشریح کرده و تاکید نمود که جمهوری اسلامی برای تامین خواستهای اربابان خود یعنی برقراری "ثبات و امنیت" که لازمه سرمایه گذاریهای گوناگون است چنین به کشتار توده ها متوسط و وحشیانه کمونیستها و مبارزین در بند را به جوخه های اعدام می سپارد تا با سرکوب اعتراضات و جنبش توده ها و ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه شرایط را برای چپاول اربابان خود هر چه بیشتر مهیا سازد. /
نمایش خونین اخیر همچون تمامی عملکردهای حیات تکلیف ایمن رژیم بروشنی نشان میدهد که این رژیم جز در جهت منافع امپریالیستها گام برنداشته و جز مجری حلقه بگوش آنها نمی باشد و چه پیشبرد جنگی



یاساد معلم انقلابی
رفیق ممد بهرنگی گرامی یاد

پیش بسوی تشکیل ارتش خلق



پیرامون تغییر و تحولات اخیر در جنگ ایران و عراق

خلقهای قهرمان ایران!

سرانجام پس از ۸ سال تداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق، جنگی که صدها هزار انسان بیگناه قربانی فجایع خونی آن گردیدند، رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی رسماً قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در رابطه با اعلام آتش بس برای برقراری صلح را پذیرفت.

این امر چه به اعتبار اهمیت برجسته ای که جنگ ایران و عراق در منطقه و جهان کسب کرده، جنگی که اساساً مصالح منطقه ای و جهانی امپریالیسم را منعکس می نمود و چه به اعتبار سالها تاکید جمهوری اسلامی بر تداوم جنگی با سرنگونی دولت عراق و نعره های گوش خراش مبنی بر "جنگ، جنگ، تا پیروزی"، در مرکز توجه جهانیان قرار گرفت و از آنجا که در سالهای اخیر این جنگ نقش بس مهمی در اوضاع منطقه و بالطبع در زندگی توده ها داشت، مورد توجه ویژه توده های ستمدیده در دو کشور نیز واقع گشته است.

اما درک علل و انگیزه های اتخاذ این تصمیم و نتایج حاصله از آن بدون درک ماهیت امپریالیستی این جنگ و سرسپردگی جمهوری اسلامی به امپریالیستها و شرایطی که این رژیم ددمنش در آن قرار گرفته است امکان پذیر نبوده و کارگران و توده های ستمدیده ما برای شناخت هرچه دقیقتر اوضاع و درک سیر محتمل رویدادها باید این امر را در چهار چوب فوق مورد توجه و بررسی قرار دهند تا بتوانند درک هرچه روشن تری از سیر رویدادها بدست آورند.

واقعیت اینست که جنگ ایران و عراق گرچه جنگ امپریالیستها نمیباشد، اما جنگی امپریالیستی است که در توافق فی مابین امپریالیستها و رویزیونیستها به مدت طولانی تداوم یافته و امکانات بس بزرگی برای غلبه بررکود اقتصادی نظام جهانی سرمایه داری در اختیار امپریالیستها قرار داده است و آنها در همان حال با میلیتاریزه کردن منطقه آمادگی خود را در سرکوب انقلاب خلقها فزونی بخشیده و ارتش های محلی را به وزنه های هرچه بزرگتری در سیاست داخلی کشورهای منطقه تبدیل نموده اند.

جنگ ایران و عراق در شرایطی آغاز شد که بحرانی بزرگ دامنگیر نظام جهانی امپریالیستی گردیده بود و امپریالیستها برای فائق آمدن بر این

بحران و غارت هرچه بیشتر خلقهای ستمدیده بر اساس سیاست همیشگی خود بار اصلی این بحران را بردوش کشورهای تحت سلطه سرشکن نموده و بالنتیجه ایران و دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه هرچه بیشتر در معرض نتایج مرگبار آن قرار داشتند و در پی آن نیز بحران انقلابی منطقه خاورمیانه را فراگرفته بود. بر این اساس صدای اعتراض خلقهای ستمدیده منطقه با توجه به شرایط زندگی فلاکت بار خویش بر علیه وضع موجود روز به روز فزونی یافته و مبارزات ضد امپریالیستی آنها هر روز از گسترش بیشتری برخوردار میگشت. در نتیجه از آنجا که مصالح امپریالیستها ایجاد میکرد خلقهای ستمدیده سرکوب شوند به این منظور لازم بود حضور امپریالیستها و رویزیونیستها در منطقه مستقیم تر و فعالتر از قبل گردد. و بنایه مجموعه این دلائل جنگ ایران و عراق بر علیه منافع خلقها سازمان داده شد. این جنگ ضمن تامین منافع امپریالیستها و رویزیونیستها در همان حال در صحنه داخلی نیز کاربردهای ویژه خود را دارا بود برای نمونه زیر پوشش جنگ بورژوازی وابسته بوروکرات ایران حوزه های هرچه بیشتری از تولید و مبادله را به زیر سیطره خود درآورد و هر صدای اعتراضی را به بهانه شرایط جنگی در کشور وحشیانه سرکوب نمود و دستگاه سرکوب جهنمی خود را بطور بیسابقه ای رشد و گسترش داد. فواید جنگ برای امپریالیستها و نوکران داخلیشان بقدری بود که خمینی مزدور از سرشعف و شادی وقیحانه در همان آغاز جنگ آنها برکت الهی توصیف نمود. اگر امپریالیستها به بهانه این جنگ سیل سلاحهای مرگبار خود را به منطقه جاری ساخته و خاورمیانه را به دژی نظامی تبدیل کردند و اگر انحصارات بین المللی از برکت هر تاکتیک اتخاذ شده در این جنگ سودی بردند در همان حال جمهوری اسلامی نیز با استفاده از شرایط جنگی به سرکوبی مبارزات حق طلبانه خلقهای قهرمان میهنمان که مردم فزونی مییافت و بیش از پیش موجودیت منحوس این رژیم و نظام سرمایه داری وابسته ایران را به خطر می افکند پرداخته و تمامی مسائل جامعه را تحت الشعاع جنگ قرار داد و به بهانه آن صدها هزار تن از زحمتکشان میهنمان که در شرایط بحران حاکم می بایست صفوف انقلاب را گسترده تر نمایند، قربانی تامین منافع امپریالیستها در میدانهای خونبار این جنگ شدند. امری که در حد خود سد رشد مبارزات توده ها گشته و به مختنق گشتن انقلاب ایران یاری رساند و به همین دلیل نیز باید یکی از دلایل سازمان دادن این جنگ را جلوگیری از فروپاشی نظام حاکم بر ایران دانست.

خلقهای مبارز ما طی سالیان گذشته بعینه نتایج و آثار شوم این سیاست محیلانه بورژوازی امپریالیستی را در هر لحظه زندگی پر درد و رنجشان لمس کرده و با مشاهده تاکتیکهای وحشیانه بکار برده شده در این جنگ همچون استفاده از امواج انسانی به جنگ شهرها، استفاده از کودکان برای خنثی ساختن میادین مین، موشک باران شهرها و مناطق مسکونی و جنگ

نفت کشها، هر چه بیشتر به ماهیت ضد خلقی و غیر عادلانه این جنگی خانمانسوز آگاهی یافتند.

اما از آنجا که هر پدیده عناصر متضاد خود را در بطن خود بارور میسازد. بر این اساس جنگی ایران و عراق نیز که امپریالیستها آنرا در یک جنبه خود در جهت جلوگیری از رشد مبارزات توده ها و سرکوب آنها سازمان داده بودند، در روند خود بتدریج عناصر مخالف خود را رشد و گسترش داد و خود به عمده ترین عامل اعتراض و مبارزه توده ها و تشدید نفرت و انزجار عمومی از جنگی و از جمهوری اسلامی تبدیل گشت. خواست پایان یافتن هر چه سریعتر جنگی خواست توده های میلیونی گردید، بطوریکه رژیم علیرغم دستگاه سرکوب عریض و طویل اش هرگز موفق نشد از مبارزات و اعتراضات توده ها و حتی برپائی تظاهرات اعتراضی در این رابطه جلوگیری نماید. بطوریکه در چند ماهه اخیر رشد مبارزات توده ای بر علیه جنگی بچنان حدی رسید که در چند شهر بزرگ میهن تحت سلطه مان در زیر سرنیزه دشمن خیابانها صحنه تظاهرات و نمایش خشم و کینه بیحد مردم بر علیه جنگی گردید. و این موج جدید علاوه بر تمامی مقاومتهای کوچک و بزرگ و آشکار و پنهان توده ها بوده که در سطحی هر چه گسترده تر بر علیه جنگی امپریالیستی ایران و عراق ادامه داشته است مقاومت بر علیه سیاست ارتجاعی سربازگیری اجباری رژیم باعث آن شد که بواقع کفگیر بسیج جمهوری اسلامی به ته دیگ بخورد و ترس و وحشتی بیحد بر امپریالیستها و سگ زنجیریش جمهوری اسلامی مستولی گردد.

بربستر چنان مبارزات قهرمانانه و با توجه به انعکاس تضادهای دائم التزاید امپریالیست ها در ایران، تضادهای درونی رژیم نیز شدت هرچه بیشتری یافت. این تضادها که زمانی بصورت طعنه و کنایه در روزنامه ها و مصاحبه ها منعکس میشد در روند خود به تصفیه های خشونت بار درونی و حتی به زدوخوردهای خیابانی تبدیل گردید. و چنان حدت و شدتی بخود گرفت که در تمامی عرصه های اجتماع خود را نشان داده و به آنجا رسید که دیگر نمایح باصطلاح پدران "امام امت" نیز چاره ساز لاپوشانی و تخفیف آنها نبود اگر خمینی جنایتکار قبلاسمبل وحدت وانسجام درونی جناحهای مختلف این رژیم بود حال با به نمایش در آمدن عدم توانائی او در کاستن از شدت تضادها حتی خود وی نیز از تعرض جناحهای مخالف در امان نماند، و مخالفین با ابراز این امر که در مذهب شیعه مراجع تقلید متفاوتی وجود دارد بواقع عدم تبعیت خود بعنوان بخشی از بورژوازی وابسته ایران را از خمینی آشکار ساخته و معلوم نمودند که تضادهای درونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی وسعت و عمق بیش از حدی به خود گرفته است تضادهائی آنچنان وسیع و عمیق که باعث بن بست مجلس ضد خلقی شورای اسلامی در امر قانون گذاری گشته و کار بجائی رسیده که قوه مجریه مدتها در اجرای وظایف ضد انقلابی خویش در حوزه هائی از

کار بلا تکلیف میماند. آنچه روند این تعمیق و وسعت گیری تضادهای درونی رژیم بیانگر آنست و نشانه های موجود را می توان گواه بر آن گرفت، قرار گرفتن رژیم در یکی از بدترین شرایط استیصال خویش است. از طرف دیگر شدت یابی تضادهای درونی دشمن در این روند بدون شک تاثیر خود را در رشد شتابان تضاد اصلی جامعه یعنی تضاد خلق های تحت ستم ما با امپریالیسم و سگان زنجیریش و تعمیق هر چه بیشتر این تضاد بجای گذاشته و پوسته حاکمیت بورژوازی وابسته را شکنند. تر از پیش ساخته است. بدون شک اگر دیکتاتوری و قهر ضد انقلابی، آنها در ابعادی وسیع و بسیار سبانه ای که امروز در میهن ما اعمال می شود سدی بزرگ در مقابل خیزش گسترده انقلابی توده ها است ولی بی شک این سد در روند شتابان تضاد خلق و امپریالیسم دیسریا زود شکسته خواهد شد و در این صورت رشد مبارزات توده ها هر آن ممکنست به سیلسی بنیان کن تبدیل گردد که طومار عمر ننگین امپریالیسم و سگ زنجیریش جمهوری اسلامی را در هم بپیچد. پس چاره اندیشی برای دشمن اجتناب ناپذیر گشته است.

در بطن چنین شرایطی بود که بناگاه جنگ امپریالیستی ایران و عراق که در وسعتی بیسابقه در سه جبهه، زمینی، هوایی و دریایی، با شدت هر چه تمام جریان داشت، روند دیگری بخود گرفت و طی چند ماه سریعاً تغییر و تحولاتی در آن بوقوع پیوست. این تغییر روند با بازپس گیری مناطقی از خاک عراق که قبلاً به تصرف نیروهای جمهوری اسلامی در آمده بود از طرف دولت عراق آغاز گشت و طی مدت کوتاهی نقاط مهمی همچون بندر فاو، شلمچه، جزایر مجنون و ارتفاعات استراتژیک در شمال و جنوب جبهه های جنگ از تصرف نیروهای جمهوری اسلامی خارج شد. جابجایی نیروهای درگیر در این مناطق که طی سالهای قبل جنگ به قیمت قربانی شدن صدها هزار تن از جوانان کشورمان به تصرف رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در آمده بود در مدت کوتاهی به انجام خود رسید (مثلاً اگر رژیم ایران برای تصرف شلمچه ۴۵۰۰۰ نفر را قربانی ساخته بود، حال در عرض ۸ ساعت از آنجا عقب مینشست و شهر فاو که طی ۱۴ روز جنگ سخت بدست ایران افتاده بود، بازپس گیریش از طرف عراق ۱۴ ساعت بیشتر طول نکشید). و طرفین جنگ به سرعت در دوسوی مرزهای بین المللی آرایش جدیدی به نیروهای خود دادند و بالاخره در حالیکه هنوز مرکب تصویب نامه لایحه "تداوم جنگ تا نیل به پیروزی" از سوی اکثریت مجلس ضد خلقی شورای اسلامی خشک نشده و کماکان عربده های "جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی" بلندگوهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی در گوشها طنین انداز بود، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل و آتش پس در جنگ مورد پذیرش سران ضد خلقی جمهوری اسلامی واقع گشت. و خمینی جلاد این سبیل تمامی جنایت ها و دناست و پستی های جنگ امپریالیستی ایران و عراق مذبحخانه مجبور شد ضمن اعلام امر فوق آنرا همچون نوشیدن زهر هلاهل برای خویش توصیف کند.

این تغییر و تحولات سریع در جنگ، این تغییر ناکهانی در سیاست حاکم بر جنگ موجب ایجاد چنان شرایطی شده است که در حالیکه عده ای از سران رژیم هنوز از ضرورت ادامه جنگ صحبت میکنند عده ای دیگر و در راس آنها خمینی از قطع جنگ دم می زنند و برای رفع شبهه مکررا اعلام میکنند که بواقع آتش بس را قبول کرده اند و این امر صرفا تاکتیکی نیست. و در این میان توده هاشی که سالها در آرزوی قطع جنگ و البته دستیابی به صلح دموکراتیک و انقلابی بوده اند با ناباوری، سخنان دشمنان خود را از مدنظر میگذرانند.

چرا آتش بس و قطع جنگ امپریالیستی ایران و عراق؟ آیا ملزوماتی که موجب این جنگ بوده اند اکنون دیگر از بین رفته اند؟ آیا سیاست امپریالیستی که جنگ ایران و عراق در ادامه آن بوجود آمد اکنون دیگر تغییر یافته است و اگر آری بر کدام زمینه مادی و دلایل این امر چیست؟ واقعیت اینست که نه بحران امپریالیستی بعنوان اصلی ترین الزام جنگ فروکش کرده و نه سرکوب انقلاب خلقهای منطقه که اکنون با چشم اندازهای هر چه روشن تری مطرح است دیگر ضرورت خود را برای امپریالیست ها از دست داده است و بالنتیجه از این لحاظ تداوم جنگ با سودهای سرشار خود در رابطه با امور فوق، خواست اصلی و واقعی امپریالیست هاست. ولی اگر برپاشی جنگ ایران و عراق اساسا "بخاطر تامین منافع امپریالیست ها و ایضا رویزیونیست ها بوده است، پس تمام مساله بر سر شناخت و بررسی آن عوامل و فاکتورهاست که قادرند نقش موثر در چگونگی روند جنگ و ضرورت تداوم و یا عدم تداوم آن ایفا نموده و امپریالیست ها در رابطه با تامین منافع اساسی و استراتژیک خویش مجبور به احتساب آن عوامل و فاکتورها میباشند. و درست با تکیه بر این خصوصیت امپریالیستی جنگ ایران و عراق است که مبارها اعلام داشته ایم که در صورت بخطر افتادن منافع امپریالیست ها در این جنگ علیرغم همه هیاهوهای رژیم جمهوری اسلامی آنها یکروز هم در قطع جنگ تردید نخواهند کرد. بنابراین این در چنین صورتی قطع جنگ ایران و عراق علیرغم پا بر جا ماندن یکسری از الزاماتی که موجب آغاز و تداوم این جنگ بوده اند از نقطه نظر منافع استراتژیک امپریالیسم بهیچوجه نباید امری غیر مترقبه تلقی شود.

امروز با قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و پذیرش آتش بس از طرف سران رژیم جمهوری اسلامی جنگ ارتجاعی ایران و عراق در روند دیگری قرار گرفته است. یکی از مهمترین عواملی که موجب چنین وضعی گشته همانطور که پیشتر توضیح دادیم موقعیت و شرایطی است که جامعه ما امروز در آن قرار گرفته است، موقعیت و شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی را در جنبه تضادهای درونی خویش فلج نموده و انسجام و یکپارچگی آنرا به ورطه فروپاشی کشانده است. بدون شک رشد تضادهای امپریالیست ها آنطور که مثلا امروز در جریان انتخابات ریاست جمهور امریکا شاهد آنیم و انعکاس آن

در جامعه وابسته ما در بوجود آمدن چنین وضعی تاثیر خاص خود را داشته است ولی آنچه مسلم است اینست که برای امپریالیست ها ادامه جنگ با حکومتی در چنین موقعیت و خیم امکان پذیر نیست .

خلفهای مبارز ایران !

جنگ امپریالیستی ایران و عراق با کارنامه ۸ ساله مملو از جنایات کثیف خود که توسط امپریالیست ها با همیاری رویزیونیست ها در جهت سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی شما و تامین منافع غارتگرانه امپریالیست ها و نوکرانشان سازمان داده شده بود ، امروز با قبول آتش بس از طرف سران جمهوری اسلامی در روند جدیدی قرار گرفته است . اگر بپذیریم که بحران عمومی اقتصادی دامنگیر امپریالیسم نه تنها تخفیف نیافته بلکه شدت بیشتری نیز گرفته است اگر به این حقیقت واقف باشیم که بحران سیاسی - انقلابی در منطقه نه تنها فروکش نکرده بلکه چشم انداز تعمیق و رشد هر چه بیشتر آن در مقابل خلفهای تحت ستم قرار دارد و اگر علیرغم همه اینها رژیم منفور و وابسته بسامپریالیسم جمهوری اسلامی بعنوان مجری سیاستهای امپریالیسم در منطقه بدلیل موقعیت نکبت بار خویش اعلام آتش بس در جنگ ایران و عراق نموده است این جز به معنی قرار داشتن امپریالیست ها بمثابه دشمنان اصلی ما در اوضاع بسیار وخیم و بحرانی نمی باشد . اوضاعی که مقاومت گسترده توده های رنج کشیده ما در مقابل رژیم جمهوری اسلامی بمثابه سنگ زنجیری امپریالیسم و رشد مبارزات شان ، در ایجاد آن نقش بسزایی داشته است و باین ترتیب بار دیگر آشکار میگردد که امپریالیسم در حال احتضار در آنچنان اوضاعی قرار گرفته است که به هر تاکتیکی که برای درمان یکی از دردهایش متوسل میشود ، دردهای دیگری را در وجود پوسیده اش ایجاد میکند .

بی تردید خواست قطع جنگ ارتجاعی ایران و عراق یکی از مهمترین و اصلی ترین خواستهای خلفهای ستمدیده ما در چند ساله اخیر بوده است ولی توده های مبارز ما باید بدانند که این خواست حتی اگر در سیر محتمل رویدادها قطعیت یابد تنها به مفهوم تمرکز تمامی امکانات جمهوری اسلامی در راه سرکوب گسترده تر آن جنگ انقلابی است که خلفهای ستمدیده ما سالهاست بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش به آن متوسل گشته اند و از آنجا که سرنوشت مبارزه خلفهای ما نه در میدانهای جنگ ایران و عراق و نه در بند و بستهایش که برای قطع این جنگ در جریان است بلکه در جریان انقلاب ظفرنمون خلفهای ایران تعیین میگردد . پس باید هر چه بیشتر در رشد و گسترش جنگ انقلابی توده های ستمدیده برای نابودی سلطه امپریالیسم و رژیم مزدورش جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق اقدام نمود و براین اساس وظیفه نیروهای انقلابی و خلفهای مبارز است که همچنان به مبارزه و مقاومت خود در مقابل دشمنان خویش ادامه

جمهوری اسلامی در وحشت از جنبش خلق کرد

از صفحه ۵۰

خواسته شده است که از هرگونه کمکی به پیشمرگان خلق کرد که در این اطلاعیه، بیشرمانه عده ای گردنه بگیر و غارتگر نامیده شده اند خودداری کرده و به هیچ وجه غذا و پناهگاه در اختیارشان قرار ندهند. بر اساس تهدیدات دادستانی آذربایجان غربی کسانی که به پیشمرگان کمک نمایند مفسد فی الارض تلقی شده و به اشد مجازات محکوم میگردند. و در ادامه این دندان نشان دادنهای احمقانه، حجت الاسلام عدالتی در دومین گردهم آشی قسمتهای آموزش عقیدت-سیاسی و تبلیغات واحد بسیج مستضعفان سپاه ضد خلقی در شهر سنندج، پیرامون تعرضات انقلابی و فعالیتهای پیشمرگان قهرمانان کردستان گفت: "تحریکات گروهکها و استکبار در منطقه را فقط در میدان رزم میثوان پاسخ داد".

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در شرایطی به تدارک سرکوب و وسیعتر جنبش خلق کرد پرداخته و دم از نابودی پیشمرگان کردستان در میدانهای رزم میزند که پیش از این بارها اعلام کرده بود پیشمرگان را نابود ساخته و یا

آنها دیگر در کردستان حضوری ندارند. اما اگر پیشمرگان کردستان نابود شده و یا همگی به این سوی مرزها عقب نشسته بودند پس دیگر چه نیازی به پاسخ دادن به آنها در "میدان رزم" وجود دارد و دیگر چه احتیاجی به اطلاعیه صادر کردن و از مردم عدم همکاری با پیشمرگان را خواستن و آنها را تهدید نمودن وجود دارد. و آیا همین واقعیت کذب ادعاها و شعارهای جمهوری اسلامی و تناقض تبلیغات او را آشکار نمیسازد و آیا همین تهدیدات و اطلاعیه های کذابی بروشنی بیانگر حمایت وسیع توده های ستمدیده کردستان از پیشمرگان خود نیست؟

سردمداران مزدور جمهوری اسلامی که به هر وسیله ای برای غارت و چپاول توده ها متوسل میشوند و دزدیهای میلیونی آنها زبانزد عام و خاص گشته است با لجن پراکنی بر علیه فرزندان دلیر کردستان آنها را غارتگر و دزد گردنه بگیر خطاب نموده و احمقانه فکر می کنند این تبلیغات در خارج از کردستان احتمالاً کیراشی خواهد داشت درحالیکه خلقهای ما در دهسال زندگی زیر حاکمیت ددمشانه جمهوری اسلامی بدرستی دریافته اند

کس که دزدان و گردنه بگیران کسانی جز سردمداران کثیف و مزدور این رژیم نبوده و پیشمرگان خلق کرد انقلابیونی هستند که برای رسیدن به آزادی و حق تعیین سرنوشت خلق خویش سلاح برگرفته و بی محابا با دشمن میجنگند. آنها دریافته اند که تبلیغات مزدوران جمهوری اسلامی مبنی بر وابستگی این انقلابیون به استکبار جهانی جز وسیله ای برای لاپوشانی وابستگی خود رژیم به امپریالیستها تمیباشد امری که دیگر بر کس پوشیده نمانده است چرا که کوس رسوائی روابط جمهوری اسلامی با امریکا و اسرائیل و غیره دیگر در هر کوی و برزن زده شده است.

تاکید جمهوری اسلامی بر سرکوب و دندان نشان دادنهای بیشرمانه اش در همان حال پیامی است به همه آنهاست که هنوز هم به مذاکره با این رژیم ددمنش دلبسته و خوش خیالانه در انتظار کسب خودمختاری در چهارچوب جمهوری اسلامی میباشند. خیال باطلی که تنهاخام اندیشان و سازشکاران صدها بار سربه سنگی خورده بازهم میتوانند به آن دل ببندند چرا که جمهوری اسلامی جز با گلوله سخن نمیگوید و نیروهای انقلابی و توده های ستمدیده نیز تنها در "میدان رزم" به او پاسخ خواهند داد.





اعدام "پیشمرگه" خلق کرد توسط حزب دمکرات کردستان ایران محکوم است!

خلقهای قهرمان ایران!

در شرایطی که الزامات مبارزه بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی اتحاد عمل گسترده نیروهای مبارز را میطلبد و در شرایطی که سیر رویدادها در ده سال اخیر بروشنی ثابت کرده است که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی همواره از پراکندگی و تفرقه در صفوف نیروهای سیاسی در جهت سرکوب جنبش انقلابی خلقهای ایران و از جمله جنبش خلق کرد استفاده نموده است و در حالیکه خلقهای ما بدرستی خواهان پایان بخشیدن به این پراکندگی بوده و این خواست انقلابی را به اشکال مختلف بیان مینمایند؛ متأسفانه حزب دمکرات کردستان ایران در مسیر دیگری راه میبیماید و نه تنها در راه وحدت و اتحاد نیروهای مبارز گام بر نمیگذارد، بلکه از آن بدتر لجام گسیخته در "کوره راه" تفرقه و نفاق گام زده و با توسل به پیشمرگه ترین اقدامات، این سیاست غیرانقلابی را به نمایش میگذارد.

بیش از ۲ سال تداوم درگیری با کومه له و عدم پذیرش آتش بس کافی نبود که حال حزب دمکرات پس از انشعابی که در فروردین ماه در درون آن رخ داد به جناح انشعابی خود اعلان جنگ داده و اخیراً پس از به اسارت گرفتن یکی از پیشمرگان جناح انشعابی یعنی حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی به اعدام وی مبادرت نموده است.

اعدام کاک حسن اسلامی یکی از پیشمرگان جناح انشعابی حزب دمکرات کردستان ایران در ۹ شهریور ماه بوسیله حزب دمکرات اقدام جنایتکارانه ای است که هرگز از سوی خلقهای ما و نیروهای انقلابی فراموش نخواهد شد امری که نشان میدهد چگونه این حزب با بی مسئولیتی تمام بر طبل تفرقه و درگیری در درون جنبش کوبیده و در این راه حتی از اعدام پیشمرگه نیز کوتاهی نمورزد. همچنین در اینجا باید به اقدام جنگ طلبانه اخیر حزب دمکرات در رابطه با کمین گذاری بر علیه نیروهای کومه له در منطقه "ژاورود" سندج بتاريخ ۱۲ / ۵ / ۷۷ تاکید نمود که منجر به شهادت ۲ پیشمرگه کومه له گردید.

رهبری حزب دمکرات با توسل به چنین اقداماتی در رابطه با نیروهای

درون صف خلق و بخصوص با اعدام پیشمرگه، بعنوان يك رزمنده در جنبش خلق کرد، بروشنی ماهیت همه ادعاهای کاذب دمکراتیک خود را آشکار ساخته و رسوایی دیگری بسر رسوایی های گذشته خود مرفزاید، آنهم در شرایطی که پاسداران و جاشهاو اسرای جمهوری اسلامی را آزاد کرده واین امر را جلوه ای از دمکراتیزم خود بروز میدهد .

اعدام کاک حسن اسلامی و کمین گذاری برای نیروهای کومه له و به شهادت رساندن ۲ پیشمرگه این سازمان در شرایطی که با اعلام آتش بس در جنگ ایران و عراق، جنبش خلق کرد در یکی از حساسترین شرایط مبارزاتی خود بسر میرود، در حالیکه دستان خون آلود این رهبری را در مقابل توده ها باردیگر بنمایش میگذارد، بیانگر عدم احساس مسئولیت رهبری حزب دمکرات کردستان ایران در قبال جنبش انقلابی خلقهای ما میباشد . بیشک اقدامات رسوای این حزب تنها باخشم و نفرت تمامی نیروهای مبارز و توده های ستمدیده چه در کردستان و چه در سراسر ایران مواجه خواهد گردید .

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدائی خلق ایران

شهریور ۷۷

کاهش تولید در ایران، خودرو جلوبهای از بحران نظام سرمایه داری وابسته

طی اجلاس ماهانه اعضای انجمن مدیریت جمهوری اسلامی که در هتل لاله تهران برگزار گردید، میرخانی مدیر عامل شرکت ایران-خودرو که همان ایران ناسیونال زمان شاه میباشد آمار و ارقامی از کمیت تولید و تعداد کارگران و وضعیت این کارخانه در قبل از قیام ۵۷ و بعد از قیام ارائه کرد که بدون شک از آنجا که آمار مزبور از سوی مدیر عامل شرکت عنوان شده نمیتواند دقیق بوده و تمامی واقعیتهای موجود را منعکس سازد اما در همین حد نیز این آمار قابل توجه بوده و بروشنی ابعاد بحران دامنگیر نظام سرمایه داری وابسته ایران را آشکار ساخته و نشان میدهد که رکود حاکم بر اقتصاد کشور چه تاثیرات مخربی بر شرایط زندگی و کار کارگران ما داشته است و بورژوازی وابسته چگونه برای مقابله با این رکود در شرکت مزبور حداقل نیمی از کارگران را از کار بیکار ساخته است .

برمبنای آمار ارائه شده از سوی میرخانی تولید ایران خودرو از ۱۴۵,۶۵۷ در سال ۵۷ به ۸۷۱۲۰ در سال ۶۲ رسیده یعنی کاهش در حدود ۴۰٪ و تعداد کارگران از ۱۲۲۰۰ نفر به ۶۵۰۰ نفر تنزل یافته است حال با توجه به اینکه این ارقام مربوط به سالهای ۶۲-۵۷ میباشد و بحران از سال ۶۲ تا کنون بمراتب شدت یافته میتواند به ابعاد اخراجهای کارگری در جمهوری اسلامی و شدت رکود اقتصادی بهتر پی برد .



جاودان باد خاطره چریک فدائی خلق رفیق شهید فریدون محمدی سامانی (کاک فرهاد) که قهرمانانه تا پای مرگ با دشمن جنگید!

از صفحه ۵۰

مسئولیت فریدون کوچک در امرار معاش خانواده سنگینتر گشت. اغلب اوقات اتفاق می افتاد که هنگام تعطیلی مدرسه بدون اینکه کتاب و دفترش را به خانه ببرد از همان مدرسه رهسپار محل کار خود می شد.

بسی از اتمام دوره راهنمایی به شهر اصفهان رفت و با برادرش در شرکتهای ساختمانی مشغول کار شد در این سالها موج توفنده قیام

رژیم های مزدورشان روزگار می گذرانند و کوچکترین مقاومت و اعتراضشان با سر نیزه و گلوله پاسخ داده می شود. در بستر چنین شرایطی بود که کینه ای عمیق و مقدس نسبت به بانیان و حافظان این نظم غارتگرانه در دل او پرورانده شد و بتدریج تمام وجود او را تعارض و عصیان بر علیه این نظام پوسیده فراگرفت. فریدون از همان کودکی مریابست به همراه پدرش به کار

هزاران فرزندان انقلابی و آزادیخواه این مرز و بوم رنگین شده است و چریک فدائی خلق رفیق فریدون محمدی سامانی نیز از زمره این انقلابیون و از تبار پاکباخته تربیت آنها یعنی چریکهای فدائی خلق بود.

رفیق فریدون در سال ۱۳۴۱ در یک خانواده فقیر و زحمتکش روستایی در شهر سامان شهرکشد بدنیا آمد. زندگی پر از فقر و محنت به همراه کار طاقت فرسای روزانه تنها چیزی بود که فریدون به هنگام کشودن چشمهایش با آن مواجه گشت. خانه محقری که در یک طرف آن وسائل امرار معاش خانواده جا داده شده بود و در سوی دیگر مریابست خانواده چند نفره او شب و روز را در آنجا به سر می آوردند، خود جلوه ای از شرایط سخت زندگی خانواده اش بود، خانه ای کسه به قول دوستانش بیشتر به یک مخروبه شبیه بود تا محل زندگی انسان. در واقع وضع زندگی فریدون و خانواده اش تجسم وضعیت زندگی فلاکتبار میلیونها کارگر و زحمتکش محروم دیگری در میهنمان است که زیر سلطه جابرانسه امپریالیستها و



توده های به پا خاسته بر علیه رژیم وابسته به امپریالیزم شاه، فریدون را نیز به کام کشید و او با تمام کینه ای که به نظم غارتگرانه و بیعدالتیهای موجود داشت در مبارزات جنبش انقلابی

طاقت فرسای کشاورزی بردارد و حتی هنگامی هم که به مدرسه میرفت موظف بود که بخشی از وقت خود را صرف کارهای پدرش نماید. و وقتی که پدر خانواده در چنین شرایط طاقت فرسائی یک پای خویش را نیز از دست داد

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

توده ها در سال ۵۷-۵۶ شرکت کرد و در جریان این مبارزات با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران آشنا شد و به هواداری از آن برخاست.

با آشکار شدن ماهیت فرصت طلبانه رهبری سازمان و اعلام موجودیت انقلابی چریکهای فدائی خلق، فریدون صف خود را از سازشکاران جدا کرده و با هواداری از چریکهای فدائی خلق ایران راه راستین و انقلابی مبارزه را برگزید. چرا که با مطالعه و جمع بندی تجربیات انقلابی به این نتیجه رسیده بود که راه انقلابی سونگونی امپریالیزم و سکهای زنجیریش و مسببان چنین مظالم و غارتگریهای تنها مبارزه مسلحانه است و بر همین اساس بود که از این به بعد با تمام توان و شور مبارزاتی خود به تقویت صفوف چریکهای فدائی خلق که در آن شرایط تمامی امکانات سازمانی بوسیله اپورتونیستها غصب گردیده بود و در شرایط دشواری بسر میبردند، پرداخت.

شرکت در هسته های مطالعاتی و بخش فعالانه خبرنگارانه سازمان، جزوات و اعلامیه های سازمان، شرکت در مبارزات اعتراضی توده ها در شهر سامان از زمره فعالیتهای انقلابی رفیق در این سالها بود. هر بار که فریدون به شهر می آمد تمام شهر مملو از اعلامیه های

چریکهای فدائی خلق میشد و در همین اثنا به کمک سایر رفقاییش برای بدست آوردن امکانات هر چه بیشتر برای گسترش فعالیتهای انقلابی شان به مصادره موتورسیکلت یکی از عناصر دشمن مبادرت نمودند.

با فرا رسیدن سال ۶۰ و یورش وحشیانه و همه جانبه رژیم سرسپرده جمهوری اسلامی به جنبش انقلابی، رفیق فریدون نیز فعالانه در مقاومت قهرمانانه توده ها در مقابل این یورش در شهر سامان شرکت کرده و بارها برای بدست آوردن اسلحه سعی نمود با همکاری یاراناش، پاسداران سرکوبگر را در جریان تعرضات به تظاهرات توده ها خلع سلاح نماید. شرایط ترور و خفقان و سرکوب این دوره که باعث ضربه خوردن سازمانهای انقلابی و مبارز و بالنتیجه قطع بسیاری از روابط آنستان گشت، روابط رفیق را با سازمان قطع نمود و در شرایطی که بسیاری از عناصر متزلزل، صفوف جنبش و سازمانهای انقلابی را ترک می کردند او با شجاعت و شوری دو چندان در جهت ارتباط مستقیم با سازمان بسر آمد تا با عزمی راسخ برای انجام تعهدات و وظایف سنگین انقلابی اش به عنوان یک چریک فدائی خلق کوشش کند. در راستای همین کوششها بود که با تلاش فراوان و در حالیکه بسیاری از خطرات را از سر گذرانده بود توانست در کردستان با سازمان ارتباط گیرد.

از این به بعد رفیق فریدون به عنوان یک پیشمرک زمامدار و شجاع چریکهای فدائی خلق در یکسری عملیات قهرمانانه در کردستان شرکت کرده و تجربیات نظامی خود را فزونی بخشید برای نمونه رفیق فریدون که حال در کردستان او را با نام کاک فرهاد می شناختند در تسخیر پایگاه " کانی دره " مزدوران رژیم در منطقه سردشت فعالانه شرکت نمود اما عملیاتهای مسلحانه او تنها در چهار چوب مبارزه در صفوف پیشمرگان سازمان در کردستان خلاصه نمی شود، رفیق فرهاد که بارها برای انجام مأموریت های از کردستان به مناطق دیگر سفر می نمود به اقدامات انقلابی چندی مبادرت ورزید او یکبار در یک اقدام انقلابی توانست وانت یکی از مزدوران ضد خلقی رژیم در شهر تبریز را مصادره نموده و آنرا به مقر سازمان در منطقه آزاد شده کردستان منتقل نماید. مصادره یک مینی بوس ارگانهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در اصفهان که در زمان انتقال آن سه کردستان به علت کنترل دشمن مجبور به جا گذاشتن مینی بوس و ترک صحنه شد از دیگر کوششهای انقلابی رفیق فرهاد بود.

شرکت رفیق در عملیاتهای مسلحانه مختلف و در شرایط گوناگون و بر خوردهای فراوانش با نیروهای سرکوب رژیم تجربیات بس گرانبهائی برای سازمان و

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

فریدون در ادامه فعالیتهای انقلابی خویش ضمن یک طرح متهورانه در ترور یکی از مسئولین بسیج ضد خلقی شرکت کرده و ضمن اعدام انقلابی مزدور نامبرده رفقا ماشین این مزدور را نیز مصادره نمودند. پس از این فعالیتهای چشمگیر رفیق فریدون بار دیگر جهت وصل تماس و انتقال جمعیندی تجارب بدست آمده به کردستان آمد.

رفیق فریدون در پائیز سال ۶۲ پس از مدت کوتاهی اقامت در مقر سازمان در کردستان (در این زمان با توجه به یورشهای جمهوری اسلامی به جنبش خلق کرد و پس از جنگ دلیرانه آآن مقر سازمان به کردستان عراق منتقل شده بود) در چهار چوب سیاست سازمان در این سالها که اعزام رفقا از کردستان به مناطق مختلف کشور برای بازسازی روابط ضربه خورده و استقرار هسته های سیاسی نظامی بود برای گسترش هر چه بیشتر دامنه فعالیتهای انقلابی چریکهای فدائی خلق به همراه جمع دیگری از رفقا که ایضا در چهار چوب سیاست مذکور و بمنظور فوق الذکر سازماندهی شده بودند به شهر اعزام شد. اما این بار رفیق فریدون محمداً پس از مدتی فعالیت در اصفهان مورد شناسائی مزدوران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی قرار گرفته و دستگیر

توانستند با استفاده از حداقل امکاناتی که فریدون از کردستان به اصفهان منتقل نموده بود یکی از صندوقهای قرض الحسنه منطقه حمله نموده و تمامی موجودی آنرا به نفع خلق و برای پیشبرد وظایف مبارزاتیشان مصادره نمایند.

با گسترش فعالیتهای رفیق، ارگانهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از طریق یکی از عناصر خود به روابطی که رفیق فریدون دوباره سازمان داده بود پی برده و با استفاده از دهها مزدور مسلح به محل اقامت رفیق در شهرکرد یورش بردند.

در جریان این یورش ضد خلقی و نابرابر، بار دیگر تهور و جسارت بی مانند فریدون باعث شد که طی یک رشته درگیری قهرمانانه او حلقه محاصره دژخیمان رژیم را بشکند و آنان را در نیل به اهداف پلید و ضد خلقیشان و دستگیری خود ناکام بگذارد. مزدوران شکست خورده رژیم با استفاده از بلندگوهای تبلیغاتی خود مذبحخانه کوشیدند که در نمایش مضحك نماز جمعه توسط امام جمعه مزدورشان شکست خود را در انظار مردم لاپوشانی کرده و مدعی شوند که گویا تمامی تشکیلات چریکهای فدائی خلق را در هم شکسته اند.

در همین زمان رفیق

او به بار آورد و جسارت و بیباکی او را زبانزد همه رفقا نمود.

با توجه به ضرباتی که از طرف رژیم ضد خلقی در طی این مدت به تشکیلات وارد شده بود و ضرورت بازسازی دوباره تشکیلات در شهرها به اعتبار وظایف سنگینی که چریکهای فدائی خلق همیشه و در هر مرحله از مبارزات توده ها برای خود قائل بوده اند و با توجه به تجربیات ارزنده رفیق فریدون و امکانات استقرارش در اصفهان در سال ۶۲ رفیق برای ادامه فعالیت انقلابی به منطقه اصفهان و شهرکرد اعزام شد و این ماموریت خطیری بود که کاک فرهاد با کوله باری از تجارب گرانبهای انقلابی که از شرکت در جنبش مسلحانه خلق کرد و دیگر ماموریت های انقلابی کسب کرده بود با تمام وجود از آن استقبال کرده و در جهت تحقق آن گام برداشت.

در این دوره رفیق فریدون با کوشش خستگی ناپذیر ضمن تهیه امکانات گوناگون و ارتباط گیری با رفقای که قبلاً با او در تماس بودند در فضای سرکوب و خفقان سال ۶۲ در جهت پیشبرد اهداف تشکیلات به تلاش شبانه روزی پرداخت و در جریان همین فعالیتها بود که رفقا

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها

دست داد، اما آرمانی که رفیق فریدون به دفاع از آن برخاست و در راهش شهید شد همچنان باقیست و خون این رفیق همانند هزاران رزمنده انقلابی دیگر وثیقه ای شد که پیمان چریکهای فدائی خلق را با خلق تحت ستم خویش مستحکم تر میسازد.

بدون شك دیر نسبت روزی که با کسترش مبارزات انقلابی و مسلحانه خائضهای در زنجیر ایران بساط پوسیده تمامی سگان زنجیری امپریالیسم واریابان نشان برچیده شود و جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر برای گذار به سوسیالیسم که رفیق فریدون محمدی در راه آن سلاح برداشت و در صفوف چریکهای فدائی خلق جان خود را نثار آن نمود در میهنمان مستقر شود یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

خستگی ناپذیر در سخت ترین لحظات به رفقاییش روحیه میداد و با چهره بشاش و مهربانش دشوارترین مأموریتها را با جسارت تمام بر عهده میگرفت. بیاد می آوریم او را که به همان درجه که در مقابل خلق تحت ستم و در زنجیر خویش منعطف و با گذشت بود در مقابل دشمنان خلق قاطع و برگزشت عمل مینمود و اینها فقط برخی از خصوصیات و خصال انقلابی رفیقی است که در صفوف چریکهای فدائی خلق در مقابل امپریالیسم و سگان زنجیریش دلیرانه جنگید و خون خود را بیدریغ نثار راه رهاشی خلقهای ستمدیده میهنمان نمود. گرچه با شهادت رفیق فریدون محمدی سامانی، سازمان ما یکی دیگر از صدیق ترین و شجاعترین یاران خود را در مبارزه برعلیه امپریالیسم و رژیم مزدور جمهوری اسلامی از

کردید. رژیم ددمنش جمهوری اسلامی پس از شکنجه های وحشیانه رفیق در زندان اصفهان برای تکمیل پیرونده اش برای مدتی او را به زندان ارومیه منتقل نمود. کسانی که رفیق را در زندان ارومیه دیده اند تعریف میکنند که چگونه فریدون در سیاهچالهای رژیم و در چنگال دژخیمان جمهوری اسلامی با درسهای که در مکتب انقلاب و رزم چریکهای فدائی خلق آموخته بود با روحیه رزمندگی و شجاعت انقلابی خود در مقابل دژخیمان می ایستاد. او با شوری فراوان در زیر شکنجه های وحشیانه رژیم مقاومت نموده و از بازگویی اسرار سازمانیش خودداری میکرد و مرتباً شعار میداد و سرودهای سازمان را میخواند، بشکلی که پاسداران جنایتکار رژیم هیچ لحظه ای چشم بر او نمی بستند و تنهایش نمی گذاشتند و سرانجام نیز در سال ۶۴ چریک فدائی خلق رفیق فریدون محمدی سامانی با قلبی سرشار از عشق به خلق و کینه به دژخیمان و با جان شیفته ای که آکنده از شور زندگی و ایمان به پیروزی خلقهای تحت ستم بود به جوخه های اعدام رژیم مزدور جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش سپرده شد. یاد و خاطره او را گرامی می داریم و بیاد می آوریم خاطره او را که با تمامی خصال انقلابی و ارزنده اش تجسم رزمندگی و شجاعت چریکهای فدائی خلق بود. او که پایدار و

رفقا، خوانندگان مبارز!

گزارشاتی را که ملاحظه میکنید متعلق به چریک فدائی خلق رفیق شهید فریدون محمدی میباشد که در سال ۶۲ زمانی که به منظور انتقال تجربیات گرانبهایش در مبارزه با مزدوران رژیم در مدت کوتاهی که قبل از اعزام دوباره اش به اصفهان در کردستان بسر میبرد در اختیار سازمان قرار داده است. که اکنون بیاد رفیق سبادت به چاپ آنها مینمائیم.

بدون شك مطالعه این گزارشات که تنها گوشه ای از فعالیتها و اعمال قهرمانانه رفیق ارزنده فریدون محمدی را تصویر می نماید خود بروشنی بیانگر جسارت و بیباکی کمونیست جان برکفی است که

که هر شش نفر دور زده و به طرف ما برگشتند و ما هم بلند شدیم بطرف یکسری ماشینهای که تجمع کرده بودند و مسافر به اطراف شهر میبردند راه افتادیم. در همین حین شنیدیم که یکی از آن شش نفر که از جلو حرکت میکرد و گویا فرمانده بقیه افراد بحساب میآمد خطاب به دیگر پاسداران گفت برادران با فاصله حرکت کنید و خودش سریع رفت جلوتر و نشست و کلتش را درآورد و بطرف ما نشانه رفت و بقیه در دو دسته سه و دو نفره بطرف ما آمدند. در این موقع ما دیگر راه افتاده بودیم ولی رفیقی که همراه من بود يك مقدار عجله کرد و کلاهش که همراهش بود را جا گذاشت در همین موقع یکی از آنها مارا صدا زده و گفت برادر برگردید کلاهتان را بردارید و من به رفیق گفتم تو برو من برمیگردم و خودم برگشتم یکی از پاسداران بعد از سلام علیک شروع به سوال و جواب از من کرد رفیق همراهم نیز در این لحظه باز گشته بود خلاصه بعد از سوال و جواب کردن بنا يك حالت تهدید آمیز گفت که با کسی تماس نگیرید و همینجامنتظر باشيد تا آن برادر ما بیاید تا برویم سپاه که بفهمیم دقیقا شما کی هستید.

از وضعیت فلکه معلوم بود در سمت جنوب آن مواظب چند نفر دیگر هستند بهمین خاطر نیز اقدام فوری برای دستگیری ما دو نفر بعمل نیامد و آنها با توجه به شیوه طبیعی برخورد ما با پاسداران مارا در چنگ خود احساس میکردند و در عین حال نمیخواستند مردمی که در حال رفت و آمد هستند متوجه اوضاع بشوند و در نتیجه خیلی آهسته چندانتری از ما فاصله گرفتند و منتظر آمدن فرمانده خود بودند در این فاصله که همه آنها نگاههایشان متوجه آنطرف فلکه بود ما از فرصت استفاده کردیم و با سر رسیدن يك وانت بار از کنار فلکه به پشت وانت پریدیم و به راننده گفتیم که مسیر ما مستقیم است

در راه تحقق خواسته ها و اهداف برحق کارگران و توده های ستمدیده بر علیه سلطه امپریالیسم و سگ زنجیریش جمهوری اسلامی سلاح بردست گرفته و در صفوف چریکهای فدائی خلق با ایمان به پیروزی راهشان بر محابا جنگید.

جریان محاصره

در یکی از فلکه های اصفهان

۲۷ / ۷ / ۶۲ با شناسائی یکی از بانکهای رژیم تصمیم به پیاده کردن طرح مصادره بانک گرفتیم برای این منظور ابتدا میبایست ماشینی مصادره نمائیم لذا يك روز قبل از عمل یعنی شب ۲۷ / ۷ برای تهیه کردن ماشین حرکت کردیم و بخاطر آنکه بتوانیم عمل مصادره ماشین را برای آخرین بار چک نمائیم يك ساعت زودتر از ساعت مقرر راه افتادیم. در محل با اوضاع نامناسبی روبرو شدیم و از اینرو تصمیم به وقت گذرانی در یکی از فلکه های کنار شهر گرفتیم ولی هنوز نیم ساعتی نگذشته بود که ۶ نفر آمدند از جلوی ما رد شدند که همه آنها يك حالت مشکوکی داشتند هر چند که همه آنها با لباس شخصی قدم میزدند منتهی سبک راه رفتن و چگونگی کنترل اطراف توسط آنان خیلی زود مارا متوجه ساخت که هر ۶ نفر پاسدار هستند. بلافاصله پس از رد شدن این شش نفر از جلوی ما با رفیق همراهم مشورت کردم و تصمیم گرفتیم که از آنجا دور شویم در ضمن هردو مسلح به کلت و نارنجک بودیم و از اینرو در صورتیکه آنها به ما مشکوک بوده و دست به اقدام میزدند که جریان به درگیری میکشد حداقل با توجه به شناسائی که به خیابانهای اطراف و کوچه پس کوچه ها داشتیم میتوانستیم با تیراندازی متقابل محل مزبور را ترك کنیم هنوز دقایقی نگذشته بود

خودمختاری خواست برحق خلق کرد است

بودیم صرف نظر میکردیم و یا به طریقی او را آزمایش کرده و از واقعیت مسئله سر در میآوردیم. به این خاطر تصمیم گرفتیم با استفاده از پیشنهادهای خودش در مورد دست زدن به عمل او را آزمایش کنیم. هیچ راه دیگری با توجه به وضعیتمان وجود نداشت.

با ارزیابی ای که از اوضاع کردیم قرار شد در يك ساعت به سه عمل انفجاری دست بزنیم ولی او را فقط در جریان یکی از این عملها قرار دهیم. در ۷/۲۲ بود که او را دیدم و پس از بحثهای لازم قرار يك عمل را با او گذاشتم و قرار شد فردا ساعت ۲/۵ بعد از ظهر برای حل مسائل عمل فوق در یکی از خانه های خودمان که او آنرا میشناخت اورا ببینیم. با توجه به اینکه به نامبرده مشکوک شده بودیم از لحاظ حفظ احتیاط فردای آنروز مسلح و با نیمساعت تاخیر به خاطر اینکه دقیقاً محل را چک بکنم و اگر مورد مشکوک یا خطری وجود داشت متوجه شده و عکس العمل مناسب نشان دهم به محل قرار رفتیم، اما او دقیقاً سر قرار آمده بود و وقتی دید من نیستم برگشته بود که دوباره ساعت چهار و ربع برگشت در نتیجه بعد از تمام شدن صحبتهایمان قرار شد برای چک کردن محل عمل به داخل شهر بروم و در محل، نیروها و گشتیهای بسیج و سپاه را کنترل کرده و گزارش وضعیت را بیاورد و قرار بعدی به ساعت ۶ موكول شد در این فاصله برای فهمیدن اینکه اگر مشکوک بودن نامبرده درست باشد آیا ما را لو داده یا نه در خانه مزبور نگاهی می دادیم.

بدلیل اینکه خانه ما در بین ژاندامری و سپاه پاسداران شهر سامان با فاصله ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر از هر کدام قرار داشت هرگونه حرکتی خیلی زود قابل کنترل بود و هر خطری را میشد زود متوجه شد. بالاخره در ساعت ۶ بعد از ظهر فردم مزبور برگشت و وضعیت را توضیح داد و خبر داد که سپاه پاسداران ضد خلقی حدود ۲۵ تن نیروی کمکی وارد شهر کرده است البته او تا کسب میکرد که آوردن نیروی کمکی در رابطه با جنگ زده گان است و این نیرو را برای کنترل آنان

ولی گویا راننده خود از شیوه سوار شدن ما به داخل ماشین خود چیزی احساس کرده بود که با نهایت سرعت از آن محل دور شد و نتیجتاً ما هم توانستیم از محاصره پاسداران با موفقیت فرار کنیم.

گزارش درگیری در خانه، در شهرک سامان و فواراز آن ۲۲/۷/۶۲

پس از اینکه از کردستان به اصفهان رفتیم با توجه به امکاناتی که در "شهر سامان" شهر کرد داشتیم شروع به تماس و ایجاد ارتباط با دوستان و هوادارانی که از قبل میشناختم کردم و بتدریج روابط با کسانی که آمادگی حرکت داشته و در این زمینه شورش نشان میدادند را گسترش دادم در نتیجه پس از ایجاد یک سری ارتباطات و امکانات و سازماندهی رفقای که برای کار ابراز آمادگی کرده بودند. با شناسایی چند سوژه عملیاتی در استان اصفهان و چهار محال بختیاری تصمیم به چند عمل گرفته شد.

در جریان ارتباط گیری با آشنایان و رفقای که میشناختم در تماس با یکی از هواداران تشکیلات قرار گرفتیم او مدتی پس از قیام هوادار جریان شده و از هواداران فعال منطقه بود بدلیل اینکه محیط فعالیت در شهر سامان کوچک بود و کاملاً مرا میشناخت پس از مدتی بحثهای اولیه اوتاکید زیادی روی دست زدن به عمل نمود و چند بار پیشنهادهای مشخصی نیز ارائه کرد. اینرا هم بگویم که این فرد در ظاهر قضیه با مشورت خودمان در سپاه کار میکرد و در نتیجه در کنترلش با مشکلاتی مواجه بودیم در همین حین یکی از رفقا که اطلاعاتی از او داشت گوشزد کرد که به نامبرده مشکوک است اما از آنجائیکه محیط کوچک و محدود بود و او یکسری از روابط ما را میشناخت و کاملاً با نظرات و اهداف ما آشنایی داشت قدرت مانور مان خیلی کم بود یا میبایست فوراً منطقه را تخلیه میکردیم و از تمامی زحماتی که کشیده

موتور سوار را میشناخت و با او آشنایی داشت او بطور طبیعی با موتور سوار برود.

با توجه به شناختی که از مونورسوار داشتیم و حالتی که از خود نشان میداد رابطه آمدن او به خانه برای ما مشخص بود و میدانستیم کس محل لو رفته است و اینها همه کلک است ولی چون مطمئن بودیم که در حین رفتن موتور سوار ممکس نبود که بطرف آنها شلیک شود و موتور سوار هم نمیخواست کسی به رابطه اش با سپاه به این طریق پی ببرد مطمئن بودیم که امکان فرار از دست او وجود دارد در نتیجه قراری برای فردای آنروز در یک شهر دیگر با همدیگر گذاشتیم و رفیق مزبور با موتور سوار از خانه خارج شد، چون فکر میکردم اگر قرار است ضربه بخوریم یک نفر مانند بهتر از دو نفر مانند در خانه است هرچند که از لحاظ درگیری و نگره بهتر بود ولی تصمیم گرفتیم که رفیق برود و من بمانم و با توجه به تمامی موارد مشکوکی که دیده بودیم حدس میزدیم که پاسداران باید همان حدود ساعتی که قرار بود عمل انجام شود به خانه حمله کنند در نتیجه خود را برای پذیرائی از آنها آماده کردم.

ساعت ده و ده دقیقه بود که از محلی که نگهبانی میدادم متوجه شدم عده ای از طرف سپاه دارند به خانه نزدیک میشوند ساختمان خانه ما به این صورت بود که یکسری اتاق درست شمال حیاط و چند اتاق دیگر به فاصله ۲۰ متر در جنوب حیاط قرار داشت. محلی که در نظر گرفته بودم در جنوب ساختمان قرار داشت چهار طرف ساختمان هم عمدتاً باز بود فقط سمت ژاندارمری و سمت چپ ساختمان یک ردیف خانه بود.

چون از جاشیکه پاسداران به سمت خانه میآمدند موضعشان نسبت به خانه جای بلندی بود و به سمت شمال ساختمان رفتیم تا دقیقتر بتوانیم مسیری که آنان از طرف سپاه میآمدند را ببینیم و بهتر کنترلشان کنیم. در همین زمان متوجه شدم که در نزدیکی باغی که ۵۰ متری ساختمان سپاه بود عده ای موضع گرفته و از آنهاش که سمت خانه

آورده اند، چونکه آنها سنتهای مذهبی بخصوص در مورد برگزاری عاشورا و تاسوعا دارند که با سنتهای پاسداران همخوانی ندارد، اما همین توضیحات و تاکید او بر آنهاشک ما را بیشتر کرد در نتیجه قرار بود که نزدیک ساعت عمل بود را حدود ساعت هشت و ربع با او گذاشتیم و پس از جدا شدن از او فوراً به داخل شهر رفتیم تا اوضاع را از نزدیک چک کنیم و در ضمن بسا رفیق دیگری قرار را اجرا کنیم که رفیق سر قرار نیامده بود. برای مشاهده کردن بهتر محل و کسب اخبار دقیق در مورد آمدن نیروی کمکی برای پاسداران با دو چرخه به داخل شهر رفتیم بر اساس آنچه که دیدیم خبر درست بود منتها تعداد بیشتر از آنچه او گفته بود به نظر میآمد، حدود نیم ساعتی که با دو چرخه چرخیدم محل دو عملیات دیگر را نیز چک کردم که به دوسه مورد مشکوک برخوردیم و حتی در یکی از محلهها بسا یک حالت نیمه محاصره مواجه شدم در نتیجه تصمیم گرفتیم فوراً بقیه رفقا را در جریان بگذاریم و مسئله عمل هاش را که قرار بود انجام شود را فعلاً عقب بیندازیم.

در ضمن در این فاصله با یک سری از بچه های محل آشنا شده بودیم که با ما در ارتباط بودند یکی از آنان را دیده و توضیح دادم کس امشب و فردا احتمال ریختن به یکسری از خانه ها وجود دارد هر چیزی در جلوی دست دارید مخفی کنید و مواظب خودتان باشید. بعد از این سریع به خانه برگشتم.

ساعت هشت و ربع منتظر فرد مزبور بودم که نیامد. دقیقه بعدی که از کسانی که می دانستیم برای سپاه مخفیانه جاسوسی میکند به بهانه اینکه با یکی از اهالی خانه کار دارد با موتور به در خانه آمد چون ده دقیقه از قرار گذشته بود و موارد مشکوکی نیز دیده بودیم مطمئن شدم که فردی که انتظارش را میکشیدم دیگر نخواهد آمد و همه چیز را لوداده است. چون حدس میزدم احتمالاً خانه محاصره باشد ولی نمیدانستیم که کدام سمت حلقه محاصره ضعیف تر بوده و امکان مقاومت و شکستن آن با قدرت آتش وجود دارد. بنا یکی از رفقا که در خانه بودم مشورت کردیم و تصمیم گرفتیم چون

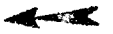
پناه قدرت آتش امکان پیروزشدن وجود دارد که با شلیک بموضع پراکنده پاسداران صدای مسلسل‌هایشان خوابید که فکرمیکنم به این خاطر بود تا موضع مرا بهتر شناسائی کنند و سپس با شلیک به آن موضع کار را تمام کنند. بعد از شلیک یک خشاب، خشاب، اسلحه را عوض کرده و با کشیدن پیم نارنجک به بالای دیوار رفتم از آنجا که موضع در روی دیوار در مقابل دید پاسداران قرار داشت دوباره شروع به شلیک کردم که یک رگبار آجر های زیر پایم را سوراخ کردند و حتی احساس کردم که باهامیم گلوله خورده است ولی خیلی زود به داخل کوچه پریدم و با آمادگی کامل برای درگیری با مزدورانی که ممکن بود سرراهم ظاهر شوند شروع به دویدن کردم هنوز حدود ۵۰۰ متری از محل محاصره شده دور نشده بودم که زن و مردی که تازه از ماشین پیاده شده بودند مرا دیدند و پرسیدند که چه خبر است که گفتیم نمیدانم و ساکنجکاوی خاصی دوباره پرسیدند که خودت از کجا میآی که در حال دویدن جواب دادم از خانه و بالاخره اولین خیابان را قطع کردم و با استفاده از تاریکی شب ۱۰/۵ کوچه را طی کردم وارد شدن من از این مسیرها موتورسوارها و ماشینهای گشتی سپاه سر میرسیدند و به طرف مسیرهایی که احتمال میدادند بروم بلا سرودای زیاد و تیراندازی حرکت میکردند.

نهایتاً با یک ساعت دویدن شهر را ترک کردم و از طریق راههای کوهستانی با ۵ ساعت پیاده روی خود را به شهر دیگری رساندم و بلا استفاده از امکاناتی که در آنجا داشتم از استان خارج شدم و خود را به محلی که میبایست بروم رساندم تا وضعیت را شرح داده و امکاناتی که در آنجا بود را تغییر مکان دهم حدود ساعت هفت صبح روز بعد بود که به آنجا رسیدم و فوراً آنجا را پاک کرده و به محل قرارى که با رفیق دیگر داشتم رفتم که با نهایت خوشحالی رفیق را دیدم. و متوجه شدم که او نیز دستگیر نشده و توانسته است از محاصره افراد ژاندارمری با موفقیت فرار کند.

میآمدند حفاظت میکردند. تا ضمن تکمیل محاصره خانه اگر تیراندازی شد و مقاومتی صورت گرفت آنان هم از سمت راست خانه شلیک کنند.

پاسداران بصورت منظم به ستون یک و در دو گروه ۶ نفری میآمدند در همین موقع فکر کردم که ممکن است نیروهاى که در آن سوی ساختمان که به طرف ژاندارمری قرار داشت برایم نارنجک پرتاب کنند که خواستم از دیوار مشترک دو خانه بالا بروم و به پشت حیاط همسایه بغلی نگاهی بکنم تا اگر تجمع آنها در آن نقطه باشد بوسیله پرتاب نارنجک جلوی حرکت آنها از این طرف را بگیرم ولی در حین بالا رفتن از دیوار بودم که فردی از روی پشت بام همسایه پناشین رفت و سایه اش داخل حیاط دیده شد که بر سر و صدا پناشین آمدم و به سمت جنوب ساختمان رفتم دیگر کاملاً دستم آمده بود که با توجه به شیوه آمدن آنها از طرف سپاه و آن سمت که حفاظت و محاصره اش را ژاندارمری بعهده داشت هیچ راهی از آنطرف نبود.

در نتیجه فوراً تصمیم گرفته و آهسته در حیاط را باز کردم در بیست متری مقابل خانه تکه زمینی بود که سه طرف آن دیوار داشت و یک طرفش که به سمت خانه بود باز بود و حدود یکمتر پناشین ترا سطح زمین قرار داشت این فاصله را خیلی سریع طی کرده و خودم را به آنجا پرت کردم که پرت شدنم همان و گلوله باران شدن موضع همان. اما با چند زیکزاک زدن داخل زمین مزبور خود را به ضلع شمال غربی حصار رساندم و خواستم که با رفتن روی دیوار راه را چک کرده و از آنجا فرار کنم که شلیک ممتد رگبار مسلسل‌های پاسداران آجرهای بالای سرم را سوراخ سوراخ کرد در نتیجه معلوم شد که موضع در مقابل دید آنها قرار دارد و اجازه هیچ حرکتی به من نمیدهند. با توجه به تجربیاتی که از شرکت در عملیات در کردستان کسب کرده بودم صحنه های درگیری در کردستان جلوی چشم ظاهر شد و دیدم که تنها با خاموش کردن آتش طرف مقابل و شلیک متقابل میتوان محاصره را شکست و در



شد پاسداران ضدخلقی برای کنترل منطقه از منور استفاده میکرده اند در ضمن فردی کسه رفقا به او مشکوک بودند و ما را لو داده بود در همان شب برای ظاهر سازی دستگیر می کنند ولی فردا آزادش میسازند که اهالی شهر او را دیده اند .



از طریق امکاناتی که داشتم خبر رسید که پاسداران ضد خلقی باتیراندازیهای وحشیانه به خانه مزبور وارد شده و ساکنین خانه را خیلی اذیت کرده اند و یکی از اهالی تعریف می کرد که تا صبح چیزهایی به هواشلیک میکردند که مثل نورافکن تمام محل را روشن میکرد و بعد خاموش میشد که معلوم

من نشسته در کنار رود

روی سنگ

پیش رویم برگهای سوخته با باد میچرخند

کار من

- واگوبه دارم -

خسته و دلتنگ

رود را ماند

در کنارم رود

سربه سنگ و صخره میکوبد سرودش -

- را براه خویش میخواند .

رودخانه

رودخانه کاکل افکنده به راه خویش

پیش میراند

میخورد سیلی

میخورد پرخاش

تا به راهی این چنین دشوار

موج موجش را ز دست سنگ

میراند

در دوسویش باد چنگ افکنده در پائیز

کهکشان سوگوار برگ در راهش میافشاند

با چنین دلسردی و سختی

رودخانه سربه سنگ و صخره میکوبد -

- سرودش را براه خویش میخواند

گویا او را قراری با عمیق آبی دریاست

کاین چنین سرمیکشد از قله امواج

لحظه ای در دوردستان خیره میماند

و فرو میریزد آنکه خنده هایش

موج روی موج

از روان خنده های روشنش پیداست

راه خود را رود میداند

قطره میبارد، قطار چشم

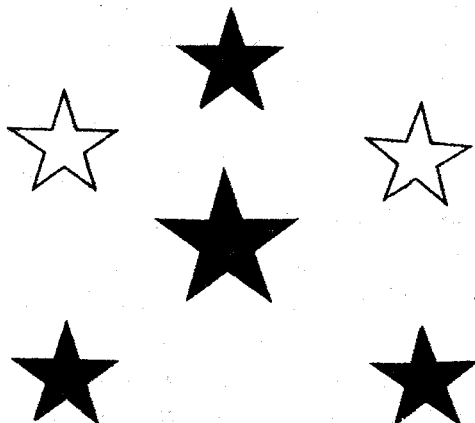
روی بال موجهایش مینشاند

رود سرسختی

بوسه دریا دلی را با لب دریا شکستن ، میتواند

از شاعر انقلابی

رفیق سلطانی - نور





اطلاعیه

چریکهای فدائی خلق ایران

در رابطه با اعدام انقلابی یکی از عناصر اطلاعاتی جمهوری اسلامی

خلقهای قهرمان ایران!

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در چهار جوب سیاستها و اعمال جنایتکارانه اش بر علیه جنبش انقلابی خلقهای ایران مدتهاست که با توسل به شیوه های گوناگون پلیسی و استفاده از عناصر خود فروخته و مزدورش میکوشد ضربات هر چه بیشتری به سازمانهای انقلابی وارد ساخته و فعالیتهای انقلابی آنها را محدود سازد.

در پی این سیاست چندی پیش رژیم مزدور در تداوم تلاشهای ضد انقلابی فوق یک توطئه پلیسی - تروریستی را بر علیه سازمان ما طرح ریزی نموده و عنصر خود فروخته ای بنام احد برمک را برای پیشبرد این توطئه پلیسی در آبانماه سال ۶۶ به درون سازمان ما گسیل داشت. اما بدلیل وجود حفاظت امنیتی سازمان و هوشیاری رفقا این عنصر نفوذی در بدو ورود شناخته شده و دستگیر گشت و به این ترتیب برنامه ضد انقلابی جمهوری اسلامی عقیم مانده و با شکست مواجه گردید.

بر اساس طرح ضد انقلابی فوق الذکر احد برمک این عنصر خود فروخته میبایست با جلب اعتماد تشکیلات تعداد دیگری از عناصر نفوذی دشمن را وارد سازمان ما نماید و خود با گرفتن " کدهای ارتباطی " به شهر تبریز رفته و با همکاری اداره اطلاعات جمهوری اسلامی به ایجاد یک شبکه پلیسی در این شهر مبادرت کنند و سپس با اقدام به چند عملیات مسلحانه نمایشی - پلیسی، عده ای از مسئولین و رفقای سازمان را برای سازماندهی وسیعتر فعالیتهای انجام شده به تبریز کشانده و موجب دستگیری و اعدام آنها گردد.

احد برمک، مزدوری که اجرای توطئه پلیسی فوق الذکر را به عهده گرفته بود یکی از هواداران سازمان ما بود که در پائیز سال ۶۴ از کردستان برای فعالیتهای مبارزاتی به شهر تبریز اعزام شده بود. وی پس از همکاری فعال با جمهوری اسلامی تمامی اطلاعات خود از فعالیتهای سازمان را در اختیار این رژیم ددمنش قرار داده بطوری که تنها حدود ۲۰ مورد " تک نویسی " فقط در رابطه با رفقای مبارزی که در شهر تبریز می شناخته است در اختیار جمهوری اسلامی گنجانده و شایان توجه است که مزدور نامبرده خود بیشرمانه اعلام میکرد که ضربات " ویران سازی " به چریکهای فدایی خلق وارد ساخته است.

در جریان پرسشهای مکرری که از این مزدور بعمل آمد وی ضمن اعتراف به ارتباط خود با اداره اطلاعات جمهوری اسلامی اعلام داشت که هدفش از نفوذ در درون سازمان پیشبرد نقشه ضد انقلابی فوق بوده است که در چهار جوب این طرح میبایست مشخما ترور رهبران سازمان ما را نیز عملی سازد.

مردم مبارز ایران!

در شرایطی که جنایات وحشیانه جمهوری اسلامی بر کسی پوشیده نیست و کوس رسوایی این رژیم جنایتکار، در هر کوی و برزن بمدا در آمده است در شرایطی که دهها هزار تن از بهترین فرزندان خلقهای ستمدیده مان، بوسیله این رژیم ددمنش اعدام گشته و یا زیر وحشیانه ترین شکنجه ها در سیاهناله ها به بند کشیده شده اند و در شرایطی که علیرغم حاکمیت زور و سرنیزه و اعمال بیرحمانه ترین سرکوبها باز هم آوازه مقاومت سرخ انقلابیونی که در زیر شکنجه های قرون وسطایی حتی از افشای نام خود نیز خودداری ورزیدند، با بانگی رسا در همه جا طنین انداز است: عناصر خود فروخته، چندی وجود دارند که بخاطر زندگی حقیر خویش حاضر به انجام هر جنایتی

و ذالتی نسبت به امر انقلاب خلقها بوده و در خدمت ضد انقلاب بعنوان خائنین خود فروخته‌ای در این راه تا بدانجا پیش میروند که مجری سیاستهای ضد انقلابی جمهوری اسلامی بر علیه نیروهای انقلابی میگردند. همچنانکه احد برمک خائن، به خواستهای ضد خلقی رژیم حاکم کردن نهاد و در اجرای مقاصد شوم و ضد انقلابی آنان کوشش کرد به منظور ضربه زدن به انقلاب و انقلابیون بدرون مغسوف چریکهای فدایی خلق نفوذ کند. بی تردید انقلاب و انقلابیون میبایست قاطع و مصمم در برابر تلاشهای عناصر خود فروخته و خائن ایستادگی کرده و جهت پاسداری از خون شهدایی که سر فرازان در مقابل شکنجه‌های دشمن مقاومت کرده و با خون خویش نهال انقلاب را آبیاری نمودند، احساس تعهد کرده و به حکم وظیفه انقلابی، چنین خائنینی را به سزای اعمال ننگینشان برسانند. در نتیجه در مورد احد برمک خائن نیز جز این نمیبایست بر خورد شود. بر این اساس و از آنجا که فرد نامبرده در جریان ۸ ماهی که دستگیر و تحت آموزش قرار داشت هرگز نخواست از راه خیانت بار خسود باز گشته و بیش از این بر علیه انقلاب خلقهای ما گام برندارد، در نتیجه به جرم خیانت به انقلاب ایران و تبدیل شدن به یکی از مهره‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی و همکاری در دستگیری انقلابیون و گزارش دهی بر علیه زندانیان سیاسی و نفوذ بدرون چریکهای فدایی خلق برای ناپودی تشکیلات، حکم اعدام انقلابی این مزدور از سوی سازمان ما صادر و در بیست تیر ماه سال ۶۷ به مورد اجرا گذاشته شد.

بدون شک سرنوشت عبرت انگیز احد برمک باید درسی باشد برای تمام عناصر خود فروخته و مزدورانی که از سوی جمهوری اسلامی جهت نفوذ بدرون سازمانهای انقلابی اعزام میشوند تا آنها بدانند که در هر صورت سر انجام از سوی انقلاب شناخته شده و دستگیر میگردند و عدالت انقلابی دربار آنها اعمال خواهد گردید. بی تردید سرنوشت عبرت انگیز احد برمک خود گویای این واقعیت میباشد.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلقی به رهبری طبقه کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدایی خلق ایران

۲۲ / تیرماه ۶۷

از صفحه ۱۹

داده و نگذارند توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمن خلل و وقفه ای در مبارزات انقلابی آنان بوجود آورد.

مرگ بر جنگی امپریالیستی ایران و عراق!
مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش!
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلقی بر رهبری طبقه کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران

دوم مرداد ۶۷



اطلاعیه مین گذاری

پیشمرگان چریکهای فدائی خلق ایران

در منطقه پیرانشهر

خلقهای قهرمان ایران!

در تاریخ ۶/۵/۷۷ یکدسته از پیشمرگان قهرمان چریکهای فدائی خلق ایران پس از شناسائیهای لازم بمنظور مین گذاری در جاده مجموعه پایگاهی "سرگومی" در منطقه پیرانشهر به این پایگاه نزدیک شدند. پیشمرگان در مسیر حرکت خود بسوی این پایگاه نخست در ارتفاع موسوم به "کلای گرسی" ضمن بازرسی اولین سنگر دیده بانی مزدوران رژیم بایک مین ضد نفر کار گذاشته شده توسط سرکوبگران برخورد کرده و با هوشیاری کامل مین مزبور را خنثی کرده و ساعاتی بعد، پس از یک رشته مین گذاری در مسیر جاده پایگاه "سرگومی" همگی سالم به مأموریت خود پایان دادند. بعد از ظهر روز بعد در اثر انفجار اولین مین ضدتانک کار گذاشته شده یک ماشین آیفای مزدوران رژیم منهدم و به قعر دره پرتاب شد و کلیه سرنشینان آن بهلاکت رسیدند. ۱۵ دقیقه بعد از انفجار مین اول، تعدادی از مزدوران رژیم که سراسیمه و هراسان بمنظور کمک به همپالکیهای مزدور خود قصد تردد بر روی جاده را داشتند، بایک مین ضدخودروی دیگر برخورد کرده و با انفجار آن تعداد دیگری از مزدوران رژیم کشته و مجروح شدند. پس از این ضربات کوبنده پایگاههای سرکوبگر رژیم ضدخلقی در منطقه بمدت چند ساعت وحشیانه مناطق اطراف خود را خیماره باران کردند که به کسی آسیب نرسید.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست!
زنده باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی میجنگد!
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران - کردستان

گزیده هائیک از رادیو صدای چریکها

بر علیه جمهوری اسلامی مبارزه
خود را نسیب نکنید!

۲۷/۵/۲

رادیوی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی روز گذشته خیراز گسیل های اجباری نیرو به جبهه های جنگ خانمانسوز داد، بر اساس گزارشات رادیوی دروغپرداز جمهوری اسلامی گروههای داوطلب از استانهای مختلف کشور از جمله استانهای همسایه، کرمانشاه، مازندران، سمنان و چند شهر و استان دیگر راهی قربانگاه جنگ امپریالیستی گردیده اند. این رادیو همچنین به نقل از یک مقام نظامی جمهوری اسلامی با اشاره بر لزوم بااصطلاح دفاع از میهن اسلامی بر کمبود گوشت دم توپ تاکید کرد و بر خواست رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی مبنی بر بسیج هر چه بیشتر جوانان و نوجوانان برای جبهه ها انگشت گذاشت.

کارگران و زحمتکشانشان! خواهران و برادرانی که در تحت حاکمیت منحوس و استثمارگر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی دچار صدها مصیبت و درد ورنج گردیده اید، رژیم جمهوری اسلامی صدها هزارتن از فرزندان

تخریب خانه های محلات فقیرنشین شهر سنندج
توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

۲۷/۴/۲۰

اخیرا رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی توسط ایادی جنایتکار و کارگزاران جیره خوار خود خانه های عده ای از زحمتکشانش را در شهر سنندج تخریب نموده و موجب آوارگی صدها خانواده شده است. محلات غفوره، عباس آباد و چند محله دیگر از جمله محلاتی هستند که رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی به بهانه های واهی آنها را ویران کرده است. البته تخریب و ویران کردن محلات زحمتکش نشین از ابداعات جدید رژیم مزدور نمیباشد، زیرا طی ۹ سال که کردستان قهرمان صحنه نبرد انقلاب و ضدانقلاب بوده، نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی جهت مقابله با جنبش خلق کرد بارها و بارها روستاهای بسیاری را تخریب کرده و یا به آتش کشیده و زحمتکشانش را به شهادت رسانده و با اجرای طرحهای ضد خلقی مختلف همچون کوچهای اجباری، هزاران زحمتکش را آواره و در بدر نموده اند.

در صفحه ۳۷

برای اولین شماره شولتز در اجلاس
احرار سازمان ملل

۲۷/۴/۲۲

در اجلاس اخیر ویژه سازمان ملل در مورد خلع سلاح که نمایندگان ۱۵۹ کشور شرکت داشتند، جرج شولتز وزیر امور خارجه امپریالیسم امریکسا، طی ارائه آماری در رابطه با میزان انباشت سلاحهای گوناگون در کشورهای که وی آنها را رو به رشد نامید بیاناتی ایراد که برای شناخت فریبکاریهای امپریالیستها باید مورد توجه قرار گیرد.

شولتز در سخنرانی خویش همچنین به خطرگسترش استفاده از سلاحهای شیمیایی نیز اشاره نمود و پیشروانه سعی کرد تا افزایش خرید سلاحهای مرکبار و استفاده از آنان را تنها به گردن رژیمهای کشورهای تحت سلطه بیاندازد و نه امپریالیستهای که تامین کنندگان اصلی این سلاحهای مرکبارند و ارتشهای این کشورها اساسا بوسیله آنها تجهیز یافته و آموزش داده میشود. وزیر امور خارجه امریکایی جنایتکار در بخشی از سخنانش به افزایش سلاحهای متعارف در کشورهای تحت سلطه اشاره کرد و

در صفحه ۳۸



شما را در راه مطامع خویش و اربابانش قربانی نموده است، مقاومتها و مبارزات قهرمانانه شما در طول سالهای جنگ بموازات گسترش آگاهیتان از ماهیت رژیم، و قهرمانیهای فرزندان انقلابیتان در سیاهچالهای حاکمیت ضد انقلابی جمهوری اسلامی بخشی از ثمره انقلابی خود را به منصف ظهور رسانده است که نمونه بارز آن، خود را در شکستهای فضاقت بار "جهاد مالی و جانی" رژیم و قبول آتش بس بر مبنای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل نشان داده است. چرا که بدون تردید همانا مبارزات، اعتراضات و مقاومت شما توده های زحمتکش و کارگران انقلابی است که بمثابة عمده ترین عامل در رابطه شما و دشمنانتان عمل نموده و مینماید.

در شرایط کنونی هراس و وحشت از حرکات انقلابی شما توده های زحمتکش سرپای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و اربابانش را فرا گرفته است و از هر سو زوزه های درد آلود مزدوران سرمایه داری وابسته به گوش میرسد، زوزه هائی که اغلب خود را در سخنان ایادی سرکوبگر رژیم بصورت "حساس بودن و خطرناک بودن شرایط" نشان میدهد.

سردمداران تبهکار جمهوری اسلامی از هر سو فریاد برآورده اند

که انقلاب اسلامی و میهن اسلامی در خطر است و نباید از چون و چراها صحبت کرد. البته روشن است که منظور این مزدوران از انقلاب همانا حاکمیت مزدوران امپریالیسم بر جان و مال شما زحمتکشان است و میهن اسلامی نیز همان میهنی است که در طول فریب بس ۱۰ سال که این مزدوران برار بکه قدرت نشسته اند جز فقر، فلاکت، فساد، بدبختی و تباه و جنگ ثمره ای برای شما نداشته است.

براستی مگر این سگان حلقه بگوش سرمایه داری جهانی در راستای اهداف کثیف خود به اربابانشان از هیچ جنایت و دزاشی فروگذاری کرده اند؟ مگر هم اکنون دهها هزار تن از رشیدترین فرزندان خلقهای ستمدیده شما در سیاهچالهای جمهوری اسلامی و در زیر چکمه های جلادانشان قرار ندارند و آیا آنان متعلق به این باصطلاح میهن اسلامی نیستند. پس کارگران و اقشار زحمتکش چرا باید قربانی مطامع سرمایه داران و رژیم حافظ آن گردند؟

روشن است که هرگاه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در منگنه بحرانهای گریبانگیرش و در هراس مرگ از امواج اعتراضات توده ای قرار میگیرد اینچنین فریاد کذائی وطن خواهی سر میدهد. جواب دندان شکن کارگران و اقشار تحت ستم در شرایط کنونی به دژخیمان و

جلادان برای شرکت در اعزامهای اجباری بدون شک روشن بوده و قطعاً منفی است.

ما جریکهای فدائی خلق کلیه انقلابیون وتوده های تحت ستم را فرا میخوانیم که تمامی اعتراضات و انرژی انقلابی خود را در صفوفی هرچه فشرده تر، متوجه رژیم جمهوری اسلامی و دم و دستگاه سرکوبگرش نمایند. در شرایطی که ترس و وحشت سرپای رژیم را میلرزاند، وظیفه انقلابی خلقهای تحت ستم میهنمان حکم میکند که نبردهای انقلابی خود را در همه عرصه های کار و زندگی برعلیه رژیم جمهوری اسلامی هرچه بیشتر دامن برنند. هرچند که قطع جنگ و

برقراری صلح از میرمترین مهمترین خواستههای کارگران و زحمتکشان میهن تحت سلطه مان بوده و هست ولی برقراری صلح دمکراتیک و انقلابی که باعث کسوت زنجیره های اسارت امپریالیستی شود تنها و تنها با سرنگونی تمامیت رژیم جمهوری اسلامی بمثابة سنگ زنجیری امپریالیسم و نابودی نظام سرمایه داری وابسته و قطع سلطه امپریالیسم از میهن مامیست. پس بکوشیم مبارزاتمان را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر که تامین کننده منافع کارگران و زحمتکشان است سمت و سو دهیم و





بهیچوجه اجازه ندهیم توده های ناآگاه به آلت دست سرمایه داران و رژیم حافظ آن یعنی جمهوری اسلامی تبدیل گردند. بدون شك پذیرش آتش بس از سوی جمهوری اسلامی تغییری در ماهیت جنگ ایران و عراق نداده

و ایـــــ جنگ کماکان ماهیتی امپریالیستی داشته و دارد و هرگونه شرکت در بسیجهای جنگی در خدمت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی خواهد بود. و تنها ثمره آن برای شما کارگران و زحمتکشان همچنان فقر و فلاکت روزافزون خواهد بود.

به نقاط دیگر میهنمان پناه برده اند.

جمهوری اسلامی مزدور از آنجا که جنبش مسلحانه خلق رزمنده کرد را بعنوان يك خطر بزرگ برای موجودیت کثیف خود می بیند، بنابه ماهیت تبهکارانه و ضد خلقی سعی دارد تا با انواع و اقسام حیل سرکوبگرانه ایـــــ مقاومت چندین ساله را نابود نماید. و این خلق مبارز را به زانو درآورد. اما پاسخ همه تلاشهای ضد خلقی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی از جمله تخریب و آتش زدن خانه ها، کشتن مقاومت و تنفس و انزجار عمومی این خلق و آتش مبارزه مسلحانه فرزندان پیشمرگش بوده است. مبارزه ای که در پناه وحدت تمامی خلقهای دربند میهنمان، کردستانهای دیگری را بوجود خواهد آورد و برای همیشه سلطه امپریالیسم و سگان زنجیریش را نیست و نابود خواهد کرد و با استقرار جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر، خلق مبارز کرد نیز در کنار سایر خلقها به خواست خویش، خودمختاری و حق تعیین سرنوشت، دست خواهد یافت.



تخریب خانه های محلات فقیرنشین شهر سندج توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

از صفحه ۳۵

اعمال جنایتکارانه ای چون تخریب محل مسکونی زحمتکشان بدون شك تنها گوشه کوچکی از فجایع جمهوری اسلامی در کردستان میباشد چرا که رژیم مزدور جمهوری اسلامی ۹ سال است که کردستان قهرمان را صحنه یکه تازیهای خود قرار داده و با دناوت و پستی تمام از اعمال هرگونه جنایت و سفاکی در حق خلق کرد دریغ نورزیده است. در فروردین ۵۹ شهر سندج با خون زحمتکشان خلق کرد رنگین گشت و رژیم حافظ سرمایه داری وابسته با انواع و اقسام سلاحهای مرگبار خود پیر و جوان و زن و کودک را به گلوله بست و بیمارستانها و مدارس ایـــــ شهر قهرمان پرور را به آتش کشید. جمهوری اسلامی ضد خلقی با سبعیت و درنده خوئی

تمام فجایع خونینی را ببار آورد و دهها انسان را در شعله های خشم ضد انقلابی خود به شهادت رساند و ارتش امپریالیستی و سپاه پاسداران ضد خلقی و نهادهای سرکوبگر دیگر با جنایت آفرینی بیحد خود در شهرها و روستاهای کردستان از جمله قارناو ایندرقاش بار دیگر ثابت نمودند که در نظام سرمایه داری وابسته وظیفه ای جز سرکوب و کشتن زحمتکشان ندارند. در ادامه این اعمال ضد خلقی بیش از ۸ سال است که جمهوری اسلامی برای سرکوبی جنبش خلق کرد، این منطقه را نیز به یکی از جبهه های جهنمی جنگ تبدیل نمود که در نتیجه آن زحمتکشان بیشتری از خلق رزمنده کرد شهید شده و بیآواره و برخاستمان گشته اند، و به ناچار

برقرار باد اتحاد نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر ایران

پیرامون گفتار شولتز در اجلاس اخیر سازمان ملل

از صفحه ۳۵

گفت: " از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ سلاحهای به ارزش ۱۸۰ میلیارد دلار به کشورهای روبه رشد تحویل داده شده است " ارائه این آمار از سوی شولتز بیانگر سندهای نجومی است که امپریالیستهای جنایتکار تنها از طریق فروش سلاحهای مخوف و مرگبار تولیدی خویش به رژیمهای تحت سلطه به جیب میزنند و با توجه بدین امر که هزینه خرید چنین حجم بزرگی از تسلیحات از محل درآمدهای ملی کشورها و عمدتاً از طریق استثمار و چپاول میلیونها کارگر و زحمتکش تامین میگردد، میتوان به عمق جنایت و غارتگری امپریالیستها و در رأس آنها امریکای جهانخوار پی برد .

دقت در مورد بخشی دیگر از سخنان جرج شولتز نماینده انحصارات امریکائی در سازمان ملل افشاگر پستی و دنائت جانیانی است که برای توجیه اعمال ضد خلقی خویش و برای پوشیده نگه داشتن ابعاد جنایات غیرقابل تصورشان مـزورانه، فریبکارانه ترین ژستهای بشردوستانه به خود گرفته و به انواع حیل میکوشند خود را مخالف آنچه پیش میبرند نشان دهند .

شولتز در بخش آخری سخنان خویش به واقعیاتی اعتراف نمود که ماهیت خود و

رژیمهای دست نشانده شان و درستی احکام فوق را بخوبی نشان داد، وی در رابطه با رژیمهای دست نشانده گفت که: " در بسیاری موارد این کشورها با هیچ تهدید واقعی نسبت به امنیت خود روبرو نیستند. در واقع برخی دولتها ظاهراً نه برای دفاع از کشورهای خود بلکه برای تجاوز نظامی به کشورهای دیگر و سرکوبی داخلی، روی جنگ افزار و قدرت نظامی سرمایه گذاری میکنند " همچنین این سخنان بار دیگر صحت نظرات چریکهای فدائی خلق در مورد چگونگی تشکیل و وظایف ارتشهای مزدور را به اثبات میرساند . چریکهای فدائیان خلق بارها تاکید نموده اند که ارتشهای مزدوری همچون ارتش شاهنشاهی سابق که همان ارتش مسرود استفاده حاکمیت جمهوری اسلامی میباشد و توسط مهره های جدید امپریالیسم تعمیر یافته و نام ارتش اسلام بدان نهاده شد و دهها ارتش همانند خودش اساساً جهت سرکوبی مبارزات خلقهای قهرمان کشور خودی و جنبش های منطقه تشکیل یافته و سازمان داده شده است. و دقیقاً براساس چنین وظیفه ای است که رژیمهای وابسته و اربابان امپریالیستشان سعی در مسلح کردن و آموزش دادن این ارتشهای مزدور با جدیدترین

روشهای سرکوب و افزارآلات جنگی پیشرفته را دارند. امپریالیستهای جنایتکار و نوکرانشان یعنی رژیمهای تحت سلطه ای همچون جمهوری اسلامی بخوبی میدانند که استقرار پایه های ست حکومتشان و تداوم غارت و چپاول دسترئج زحمتکشان تنها در صورت وجود ارتشهای مزدور و سرکوبگر امکانپذیر میباشد. ارتشهای که میبایست جهت تامین سلطه غارتگرانه نظام سرمایه داری وابسته به قلع و قمع انقلابیون و زحمتکشان بپردازند و حتی هنگامیکه ارتش مزدور کشور دیگری در سرکوبی مبارزات زحمتکشان ناتوان گردید، آمادگی داشته باشند به یاری همقطاران خویش بشتابند. شولتز که در رابطه با خرید تسلیحات از سوی رژیمهای دست نشانده با ارائه آمار میسر بر اینکه تنها طی ۵ سال خرید تسلیحات از سوی این کشورها رشد ۴۰ درصدی داشته است چهاره درهمم کشیده و میکوشد بانشان دادن ظاهری که گویا مخالف این امر است، عوامفریبی نماید، زمانه چهره اش بهتر افشا میگردد که بیاد بیاوریم در همان زمان همبالگهایش در امریکا با خشم و نگرانی اعلام میکردند در جریان از دست دادن امکان فروش تسلیحات به عربستان سعودی در معامله اخیر این کشور با

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

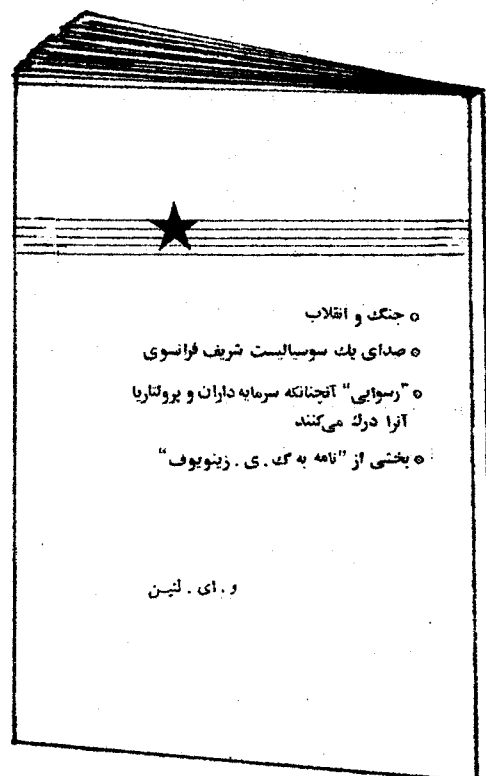
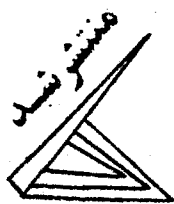


فروشنندگان سلاحهای مرگبار، صنایع دفاعی کشورشان مبلغ ۲۰ میلیارد دلار متضرر شده اند. این گفته نشاندهنده آن است که جدا از چگونگی مورد استفاده قرار گرفتن سلاحهای خریداری شده از سوی نوکران امپریالیستها مسئله مهم دیگری، برای غارتگران جهانی سودهای هنگفتی است کسه از این راه عایدشان میگردد.

بیشک تحت شرایط فعلی که نظام امپریالیستی با بحران جهانی و دائم التزاید روبرو گشت، بازارهای خریدوفروش تسلیحات و افزار آلات مرگبار یکی از حوزه های پرمفعت برای امپریالیستها میباشد. بخصوص

که در نتیجه این بحرانها امواج جنبشهای توده ها هر دم پسر تلاطم تر گشته و خطر ناشی از آن رژیمهای دست نشانده را وادار به خرید سلاحهای پیشرفته نموده است. در نتیجه میتوان ثابت نمود که نمایندگان انحصارات جهانخوار امثال شولتز و دولتهای جنایتکارشان همچون دولت امریکا نه تنها برخلاف گفته شولتز در اجلاس ویژه اخیر سازمان ملل، هیچگونه نگرانی در رابطه با گسترش ابعاد خرید سلاحهای مرگبار نداشته و ندارند، بلکه منافع غارتگرانه شان ایجاب مینماید که چنین روندی همچنان ادامه داشته باشد. گسترش مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران و منطقه و دیگر

کشورهای تحت سلطه طوسی سالیان اخیر یکی از برجسته ترین دلائلی است که ضدانقلابیون رنگارنگ را واداشته تا صاف صوف جیره خوارانشان را سر تا پا مسلح نمایند. بیشک گسترش همین مبارزات عادلانه نموده های ستمدیده و شعله ور شدن هرچه بیشتر آتش انقلاب و سیل توفنده قهرانقلابی خلق، ارتشهای مزدور و امپریالیستی ای همچون ارتش ضدخلق جمهوری اسلامی و تمامی زوائد رنگارنگ آنها خورد و نابود خواهد نمود و آنگاه دیگر لحظه ای حاکمیت وابستگان به امپریالیسم و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی امکان نخواهد داشت. دیر نیست آن روز!



رفقای هوادار سازمان در امریکا ترجمه و برای "پیام فدائی" ارسال گردیده است، مبادرت نموده ایم.

در اینجا لازم میدانیم ضمن قدردانی از فعالیتهاش که رفقای هوادار در این زمینه انجام میدهند تاکید نمائیم که "پیام فدائی" به گزارشات آماری دقیق در زمینه های مختلف اقتصادی احتیاج داشته و رفقای هوادار در خارج از کشور در صورتیکه بتوانند چنین آماری را تهیه کرده و برای ما ارسال نمایند ما را در پیشبرد وظایفمان یاری داده اند. بدون شك از آنجائیکه در صورت لزوم این گزارشات در نشریه درج خواهد گردید، منبع و تاریخ گزارشات مزبور حتما باید قید گردد

از آنجاکه ارزش حاصل از فروش نفت عمده ترین منبع درآمد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی میباشد و بحران موجود در بازار نفت، اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی را در وضع بازم دشوارتری قرار میدهد، و از آنجا که افزایش تولید و سقوط قیمت نفت در ماههای اخیر بدلیل مصالح یکسری از انحصارات امپریالیستی شد یافته است و متضررین در این میدان نتوانسته اند به راه حلی برای مقابله با این امر دست یابند و ادامه این روند از اهمیت مهمی برخوردار است. برای آشنائی با گرایشات و اظهارنظراتی که در این زمینه در مطبوعات خود امپریالیستها منعکس میگردد به چاپ گزارش زیر که از نشریه شیکاگو تریبون (پنجشنبه ۷ جولای/ ۱۹۸۸) بوسیله

اوپک ممکن است قیمت نفت را پائین تر

بیاورد.

و بازاریابی بهمراه کمپانی تکزاکو بعمل آورده، نشان میدهد که حتی اگر قیمت نفت دوباره بالا رفته و بجای اول خود باز گردد، کارتل اوپک همچنان از هم پاشیده باقی خواهد ماند.

حسین طهماسبی یکی از اقتصاددانان

کمپانی نفت اشلند Ashland oil inc. که در عین حال یکی از کارشناسان مورد احترام اوپک نیز میباشد، پیش بینی کرده است که تا دو سال آینده تعدادی از اعضای اوپک، خود را از این کارتل بیرون خواهند کشید. طهماسبی میگوید این کشورها ممکن است عربستان سعودی، کویت، ونزوئلا باشند و یا ایران و عراق که جنگ هشت ساله شان سازمان اوپک را فلج کرده است. ری برسفورد Ray Beresford اقتصاددان قبلی شرکت اکسان Exxon Corp. که در حال حاضر یکی از مدیران شرکت مشاورتی بین المللی انرژی در موریس تاون نیوجرسی میباشد، میگوید که: "اوپک کارتلی است

قیمت نفت خام که در ماه گذشته بیش از ۱۰٪ پائین آمده و به حداقل خود در سال جاری رسید، مسکن است بر اثر پاشیدگی کشورهای صادر کننده نفت باز هم بیشتر سقوط نماید.

عراق و امارات متحده عربی از چند وقت پیش بدون توجه به سهمیه تولیدی تعیین شده از طرف اوپک، مقدار تولید خود را افزایش داده اند. گفته میشود که چند عضو دیگر نیز که از لحاظ موجودی پول نقد در مضیقه هستند، بدون سرو صدا در حال افزایش تولید خود میباشند.

بعلاوه بنا بر گزارش تحلیل گران، هیچیک از ۱۲ کشور عضو اوپک، نفت خود را به قیمت تعیین شده یعنی بشکه ای ۱۸ دلار نمی فروشند. مثلا روز چهارشنبه دولت دومی نفت خام خود را بشکه ای ۶ / ۱۲ دلار در اروپا فروخت.

سرمایه گذارهای اغلب کشورهای صادر کننده نفت در کشورهای مصرف کننده، مانند ۲ میلیارد دلاری که عربستان سعودی برای تصفیه نفت

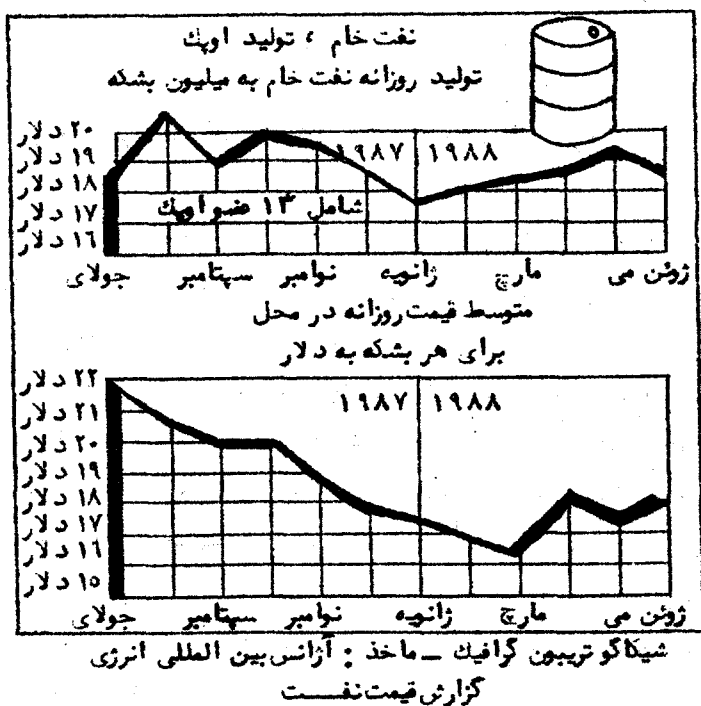
نازل نفت از طریق پائین آوردن تورم و اعطای قدرت خرید بیشتر به مصرف کنندگان، اقتصاد ایالات متحده را رونق بخشیده است. قیمت بنزین در سراسر امریکا - بطور متوسط ۹۵ سنت برای هر گالن - از تابستان قبل تا به حال اضافه نشده است.

بعضی از اقتصاددانان معتقدند که اگر قیمت نفت مانند سالهای هفتاد (۷۰) یعنی زمانیکه اوپک بر بازار جهانی نفت کنترل داشت، افزایش مییافت، ایالات متحده نمیتوانست توسعه اقتصادی امروزی را داشته باشد. اما عده ای دیگر از اقتصاددانان و سیاستمداران میگویند که قیمت ارزان نفت امنیت ایالات متحده را به مخاطره افکنده است. قیمت ارزان واردات نفت تولید داخلی را مهمیز زده است و اگر این روند ادامه یابد، برای اوائل سالهای ۱۹۹۰ نفت وارداتی حدود نصف اجناس این کشور را شامل خواهد شد.

عده زیادی از کارشناسان معتقدند که اگر اوپک خود را جمع و جور کند، میتواند نفت را به قیمت بالاتری به مشتریان بفروشد. در این لحظه بخاطر بر بندوباری و عدم دیسیپلین در اوپک، امریکا و سایر کشورها توانستند بیش از احتیاجات

که در حال حاضر در اغتشاش بسر میبرد. با توجه به شرایط موجود، وزیران نفت ونزوئلا، الجزایر و اکوادور اعضای اوپک را به یک نشست اضطراری دعوت کرده اند. در همین زمان شرکت ملی نفت ونزوئلا ۵٪ از قیمت نفت سنگین و متوسط خود را کاهش داده است و نزول بازم بیشتر قیمت نفت انتظار میرود، ویلیام رندول William Randol یکی از کارشناسان بین المللی نفت که در شرکتی بنام "اولین شرکت نیوجرسی" واقع در نیویورک کار میکند، سال ۱۹۸۸ را با سال ۱۹۸۶ که اوپک برای کنار زدن رقبای خود قیمت نفت را به ۹ دلار کاهش داده بود، مقایسه کرده است. "شرایط برای اوپک اکنون بدتر است، در آنزمان حداقل آنها متحد بودند و توانستند قیمت نفت را مجدداً بالا ببرند. در حال حاضر من هیچ چشم اندازی نمیبینم. جریان سال ۱۹۸۶ میتواند دوباره اتفاق بیفتد."

اگر چه پائین آمدن قیمت نفت برای اوپک و کشورهای صادرکننده ای نظیر مکزیک، مغرب و کشنده است، لیکن اقتصاددانان متفق القولند که قیمت



الجزایر	۰/۶۶۷
اکوادور	۰/۲۲۱
گابن	۰/۱۵۱
اندونزی	۱/۱۹۵
ایران	۲/۳۶۹
عراق	۱/۵۴۰
کویت	۰/۹۹۶
لیبی	۰/۹۹۶
نیجریه	۱/۳۰۱
قطر	۰/۲۹۹
عربستان	۴/۳۴۳
امارات عربی	۰/۹۴۸
ونزوئلا	۱/۵۷۱

شیکاگو تریبون گرافیک

درستی را برای کاهش حجم تولید و تثبیت قیمت در جهت منافع مشترک اعضا تعیین نمایند ، پایان رسیده است .

طهماسبی مشکل اوبک را تمایل طبیعی اعضای آن در جستجوی صادرات بیشتر برای دستیابی به پول بیشتر میدانند . ولی هر اندازه که تقلب بیشتر شده و عرضه بالا می‌رود ، بهمان اندازه قیمتها پائین آمده و بالنتیجه هر یک از اعضا با تولید و عرضه بیشتر همان مبلغ را دریافت میکنند که میتوانستند بدون تقلب بدست آورند . بعلاوه کشورهای که ذخایر نفت زیاد دارند ، مانند عربستان و کویت میخواهند با تولید بیشتر و پائین نگهداشتن قیمت ، دیگر تولید کنندگان را از دور خارج نمایند

خود نفت ذخیره نمایند .
طبق گزارش روز چهارشنبه موسسه بین المللی درباریس ، اعضای اوبک در ماه ژوئن گذشته ۱۸۴ میلیون بشکه نفت استخراج کرده اند ، در حالیکه در کنفرانس نیم ساله اوبسک در وین سهمیه تولید ۱۷۶ میلیون بشکه تعیین شده بود .
وزیران نفت کشورهای عضو همدیگر را متهم میکنند که موافقتنامه های مربوط به قیمت تعیین شده و حجم تولید را رعایت نمیکنند . در این میان عربستان سعودی بیش از دیگر کشورهای مورد خطاب بوده است . اما فهد پادشاه عربستان میگوید که دیگران هم بیش از مقدار تعیین شده ، تولید میکنند .
بهر حال سه نشت گذشته اوبسک بدون آنکه روش

تظاهرات در همدان

تظاهر کنندگان وحشیانه به سوی آنان تیراندازی کرده و در نتیجه این عمل جنایتکارانه چند تن از تظاهر کنندگان کشته و دهها تن زخمی و دستگیر شدند . در این جریان مردم برای انتقال مجروحین به بیمارستان فعالانه اقدام نموده و در مسیر انتقال مجروحین به بیمارستان نیز شعارهایی بر علیه رژیم داده مرتد .

سرکوب وحشیانه تظاهرات همدان باعث تشدید خشم و کینه مردم شهر نسبت به رژیم ددمنش جمهوری اسلامی گردیده و بار دیگر چهره سفاک رژیم مزدور خمینی را در مقابل نوده ها به نمایش گذاشت .

قرمز" و خیابانهای اطراف ضمن ابراز نفرت و انزجار از جمهوری اسلامی با شرکت خود در تظاهرات مزبور بر دامنه آن افزودند .
دقایقی بعد از شروع تظاهرات نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی که از این حرکت به وحشت افتاده بودند سراسیمه به خیابانها ریخته و با استقرار در کوچه ها و پشت بامهای منطقه به منظور ایجاد فضای رعب و وحشت شروع به تیراندازی هوایی نمودند ولی تظاهر کنندگان همچنان به شعار دادن بر علیه جمهوری اسلامی ادامه داده و با پیوستن عده ای از مردمی که در پیاده روها ناظر این حرکت بودند تظاهرات ابعاد وسیعتری نیز یافت .

مزدوران جمهوری اسلامی بمنظور متفرق نمودن

دربست و یکم مردادماه در خیابان "چراغ قرمز" شهر همدان تظاهراتی بر علیه سیاستهای ضد مردمی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی روی داد که در طی آن تظاهر کنندگان با سردادن شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی" ، "مرگ بر خمینی" و "قاتلین فرزندانمان مجازات باید گردند" کینه و نفرت خویش را از رژیم مزدور خمینی اعلام نمودند .

در میان تظاهر کنندگان پلاکاردهایی که در آنها نوشته شده بود: "خون فرزندانمان چه شد" به چشم میخورد که بیانگر نفرت و انزجار مردم از جنک امپریالیستی ایران و عراق و از شعارها و ادعاهای جمهوری اسلامی در این رابطه بود .

در جریان تظاهرات زحمتکشان بسیاری با بستن معازنه های خود در خیابان "چراغ



اخیرا اعلامیه ای از شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان - کراچی کسسه سه تاریخ ۲۲ مه ۸۸ در رابطه با مدت بیستین روز تحصن عده ای از آوارگان ایرانی در مقابل دفتر سازمان ملل در کراچی منتشر گردیده است بدستمان رسید که برای اطلاع خوانندگان "پیام فدائی" مبادرت به چاپ بختیایی از اعلامیه مزبور مینمائیم .

لارم سه یاد آوری است که منظور از "معترضین ۲۴ ژانویه" آن پناهندگان و آوارگان ایرانی میباشد که در اعتراض به سیاستهای دفتر پناهندگی سازمان ملل در پاکستان به اعتصاب غذا و تحصن متوسل گردیدند . ما ضمن حمایت از مبارزه آوارگان و پناهندگان ایرانی در هر گوشه از جهان در جهت رسیدن به خواستهای برحقشان بار دیگر از همه انجمنها و سازمانهای هوادار در خارج از کشور مصرا میخواهیم که در این زمینه هر آنچه در توان دارند بکار گیرند .
متن اعلامیه مزبور به شرح زیر است :

صدوبیستین روز تحصن "معترضین ۲۴ ژانویه" و سیاست UN.HCR کراچی درقبال آنان

خواسته های این افراد نکرده اند، بلکه از هر ابزاری برای متفرق کردن این جمع و جلوگیری از حرکت اعتراضی آنان، استفاده نمودند. این تضيیقات با فراخواندن پلیس برای دستگیری معترضین و انتقال آنان به پلیس استیشن دیفنس آغاز گردید و با انتقال شبانه آنان به کمپ آوارگان افغانی واقع در بیست و پنج کیلومتری کراچی و سپس به مرکز خیریه "ایدی هوم" تداوم یافت. با بازگشت معترضین بیست و چهار ژانویه به مقابل دفتر UN این تضيیقات به اشکال مختلف دیگری گسترش یافت.....

در چنین شرایطی اطلاعیه ای از طرف UN کراچی صادر شده است که طی آن در راستای سیاست تاکنونی این دفتر مبنی بر بی توجهی کامل به خواسته های متحصنین و برای جلوگیری از هرگونه

هموطنان پناهنده و آواره !
بارسیدن بیست و چهارم ماه مه، چهار ماه از تحصن و اعتصاب غذای جمعی از هموطنان آواره میان در مقابل دفتر U.N.H.C.R کراچی میگردد. این افراد که همچون بسیاری از هموطنان آواره مان با کربختن از جهنم رژیم ضدانقلابی ایران، برای گرفتن کارت پناهندگی به دفتر U.N.H.C.R در کراچی روی آورده بودند، متأسفانه بدلیل وجود سیاستهای حاکم بر UN از حق پناهندگی محروم گشته اند بنابراین در اعتراض به این اعمال غیرمستولانه و پایمال شدن حقوق مسلمشان از بیست و چهار ژانویه اقدام به تحصن نمودند. تحصنی که بیش از بیست روز آنرا با اعتصاب غذای مداوم پشت سر گذاشتند.

مسئولین UN کراچی، از ابتدای این حرکت، نه تنها هیچگونه رسیدگی مسئولانه درقبال

همان سیاستی که در تحصن پناهندگان و آوارگان ایرانی در فوریه ۸۷ در تظاهرات آوریل ۸۷ و حوادث پس از جولای سال گذشته، UN فرصت طلبانه از آن سود برده است و اینک نیز اصرار و تلاشی بیپرده بر ادامه آن دارد. جالب است که UN کراچی در این اطلاعیه ها بغیر از تهدید و ارباب دیگر پناهندگان از بدتر شدن "موقعیت" شان هیچگاه کوچکترین اشاره ای به اینکه چرا پناهندگان و آوارگان دست به تظاهرات و اعتصاب و تحصن میزنند، نکرده است این در حالیست که خود آنها بر این امر واقف بوده و هستند که سیاست فشار مداوم و عملکردهای ضد پناهندگی شان بوده که عامل شکل گرفتن اینهمه حرکات اعتراضی گشته اند و تا زمانیکه اینگونه سیاستها و عملکردها ادامه داشته باشد، بیشک اعتراض بر علیه آنان نیز به اشکال مختلف وجود خواهد داشت در ارتباط با "متعرضین بیست چهار ژانویه" نیز این امر صادق است.....



حرکت اعتراضی آنان، از پناهندگان و آواره گان خواسته اند "..... در حفظ آرامش کوشیده و از جلب توجه بپرهیزند. تظاهرات و اعتصابات عده معدودی ممکن است اثرات جدی بر موقعیت کلیه مراجعین به این دفتر داشته باشد. مسئولیت عواقب توقف و اجتماع در اطراف دفتر در غیر ساعات اداری بر عهده خود افراد میباشد و اینگونه اعمال موقعیت سایر پناهنجویان و پناهندگان را بخطر میاندازد." در این اطلاعیه مسئولین UN نخست مخالفت خود را با هرگونه حرکت اعتراضی از طرف پناهندگان و آوارگان اعلام داشته و سپس در مقابل امنیست پناهندگان و بخصوص "معرضین بیست و چهار ژانویه" از خویش سلب مسئولیت مینمایند.

آنچه در این اطلاعیه بوضوح روشن است، تداوم سیاست غیرانسانی تهدید و ترساندن پناهندگان و در مقابل یکدیگر قرار دادن آنها برای جلوگیری از حرکات اعتراضی برحششان میباشد.



۱۷ شهریور ۵۷ نقطه عطفی در مبارزات
توده ها



بناسبت
دوازدهمین سالگرد
مرگ مائوتسه دون رهبر کبیر
انقلاب چین و آموزگار بزرگ
پرولتاریای جهان



سندج

x- مزدوران جمهوری اسلامی در کردستان که در وحشت از تعرضات پیشمرگان خلق کرد با فرارسیدن شب بی هدف مبادرت به تیراندازی می‌نمایند که به این وسیله گناه باعث کشته و مجروح شدن اهالی بی‌دفاع می‌گردد. در همین رابطه چندی پیش در منطقه ژاورود سندج ۲ تن از اهالی روستای "نی یسر" که از یک مهمانی به خانه هایشان باز می‌گشتند مورد اصابت گلوله های مزدوران رژیم قرار گرفته و یکی از آنها که جوان ۱۸ ساله ای بود کشته و دیگری مجروح میگردد. مزدوران برای بد نام کردن پیشمرگان و بیگناه جلوه دادن خود بیشرمانه این عمل وحشیانه را به پیشمرگان نسبت میدهند که باعث خشم و انزجار بیشتر اهالی میگردد.

x- چندی پیش نیروهای رژیم برای سربازگیری، وحشیانه به روستای "حکدان" واقع در منطقه ژاورود سندج هجوم برده و تعدادی از جوانان روستا را

دستگیر می‌نمایند. اهالی در اعتراض به این اقدام و برای آزادی دستگیر شدگان، نیروهای رژیم را مورد حمله قرار میدهند که بر اثر تیراندازی مزدوران یکی از اهالی مجروح می‌گردد در ضمن در این منطقه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داده که باید برای استقرار پایگاههای رژیم کمک مالی نمایند و هر روز تعدادی از اهالی را مجبور به بیگاری می‌کنند.

x- روز سی و یکم مرداد ماه جاشهای خود فروخته پایگاه روستای "که لن" زحمتکشانش روستای "توریور" را مورد ضرب و شتم قرار داده و به اذیت و آزار زنان و دختران این روستا مبادرت می‌نمایند. اهالی مبارز روستای "توریور" که در بخش ژاورود سندج قرار دارد در یک حرکت اعتراضی متحدانه به جاشها حمله کرده و آنان را خلع سلاح می‌نمایند. مزدوران رژیم که در مقابل صفوف فشرده اهالی به عجز و ناتوانی خود پی برده بودند با خواهش و التماس از اهالی مبارز روستا خواستند که سلاحهایشان را به آنها پس بدهند.

مهاباد

x- چندی پیش جاشهای خود فروخته تعدادی از سلاحهای

خود را به اهالی زحمتکش روستای "ازونتاش" در منطقه مهاباد مفرودند و سپس با همکاری پاسداران ضد خلقی به روستای فوق حمله کرده و سلاحهای فروخته شده را از خانه افرادی که خریده بودند ضبط نموده و ضمن ضرب و شتم آنها سلاحهای مزبور را که ۶ قبضه تفنگی و ۲ قبضه اسلحه کمری بود را با خود بردند.

دیواندره

x- نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به اهالی روستاهای منطقه خورخوره دیواندره اعلام نموده اند که حق ندارند از ساعت ۸ شب تا ۵ صبح در روستاهای خود رفت و آمد نمایند. علاوه بر این مزدوران رژیم روستائیان را تحت فشار قرار داده اند تا خانه باغهایشان را تخلیه کرده و آنها را خراب کنند، در همین رابطه در مقابل مقاومت و اعتراض اهالی مبارز روستای "مولان آوا" نیروهای رژیم به اذیت آزار اهالی پرداخته که در نتیجه اهالی تحت فشار عوامل رژیم مجبور به ترک خانه باغهای خود گردیدند و پس از این مزدوران رژیم خانه باغهای اهالی را به آتش کشیدند.

مریوان

x- در هفدهم شهریور

زنده باد خلق رزمنده کرده برای آزادی میجنگد



مسئله مزدوران سپاه پاسداران مریوان، آخوندها و اعضای شوراهای اسلامی، اهالی تعدادی از روستاهای شهرستان مریوان را در یکی از روستاهای منطقه جمع کرده و از آنان می‌خواهند که در رابطه با فعالیت‌های نیروی پیشمرگ به رژیم ضد خلقی کمک نمایند. اما اهالی مبارز روستاهای مزبور حاضر به همکاری با نیروهای سرکوبگر رژیم بر علیه پیشمرگان خلق نکردند و تنها یکی از ملاهای محلی تن به خیانت و جاسوسی داده و آمادگی خود را برای همکاری با رژیم ضد خلقی اعلام نمود.

سقز

x- در اوائل شهریور ماه جمهوری اسلامی اهالی زحمتکش چند روستای بخش فیض الله بیگی سقز را به منظور برداشتن اسلحه تحت فشار قرار داد که بر اثر اعتراض و مقاومت اهالی مزدوران رژیم مجبور به عقب نشینی گردیدند اهالی مبارز این منطقه با مقاومت متحدانه خود سیاست تسلیح اجباری جمهوری اسلامی را با شکست مواجه نمودند.

بوکان

x- در پی اطلاعیه دادستانی ضد انقلابی آذربایجان غربی بر علیه پیشمرگان خلق کرد امام

جمعه مزدور بوکان نیز خطاب به اهالی مبارز این شهر گفت: هر کس به پیشمرگان کمک نماید به شدیدترین مجازات‌ها محکوم خواهد شد.

پیرانشهر

x- رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی پس از به آتش کشیدن روستای پردانان از توابع پیرانشهر اهالی زحمتکش این روستا را به کوچ اجباری واداشته و با جبر و زور آنها را در نزدیکی یکی از پایگاه‌های سرکوب خود واقع در روستای قبرحین سکنی داده است که اهالی روستا در سخت‌ترین شرایط بسر برده و هیچگونه امکانات زیستی ندارند و حتی از داشتن آب مورد نیاز خود نیز در مضیقه می‌باشند. اهالی زحمتکش روستای پردانان چون از طریق دامداری امرار معاش می‌کردند و فشارهای رژیم جلوس کار و کسب آنها را گرفته است اجباراً تن به فروش دامهای خود به قیمت‌های ارزان داده تا حداقل امکانات زندگی‌شان را تامین نمایند.

اشنویه

x- در اوائل شهریور ماه به علت کمبود شدید بنزین صفهای طولی از اتومبیل‌ها و رانندگان‌شان در مقابل مراکز توزیع بنزین در اشنویه بوجود آمد. به علت تجمع مردم و

اعتراضات آنها مسئولین مربوطه دخالت کرده و به اهالی مرگوبند از کوپنهایتان چشم پوشی کنید تا به هر نفر ده لیتر بنزین بدهیم.

لازم به یادآوری است که در حالیکه کمبود بنزین در شهرهای کردستان همچون سردشت و پیرانشهر به شدت به چشم می‌خورد ولی در بازار سیاه بنزین به حد وفور وجود داشته و هر بیست لیتر بنزین به مبلغ ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان خرید و فروش می‌شود.

شمال کردستان

x- چندی پیش یکی از سربازان گردان قائم در منطقه "شه پیران" در شمال کردستان در یک اقدام شجاعانه معاون مزدور پایگاه روستای "سپید دره" را اعدام انقلابی نموده و همراه با تجهیزات انفرادی خود به صفوف پیشمرگان پیوست لازم به یادآوری است که در ماههای اخیر فرار سربازان از مراکز نظامی در کردستان افزایش یافته است.



رفقای هوادار:

اخبار و گزارشات محل کار و زندگی خود را جمع‌آوری نموده و به آدرسهای سازمان در خارج از کشور ارسال کنید.

پیش بسوی ایجاد فرماندهی مشترک در جنبش خلق کرد

نمونه ای از فجایع جمهوری اسلامی بر علیه زندانیان سیاسی

در زمستان سال ۶۰ شاهوند جنایتکار دادیار داسرای ضد انقلابی جمهوری اسلامی در بندرعباس بوسیله تیمی از هواداران سازمان طی یک عملیات متهورانه در این شهر اعدام انقلابی گردید .
عکس فوق که صحنه بدار آویختن رفیق نعمت الله بشخور بدلیل شرکت در اعدام انقلابی این مزدور میباشد، بروشنی ماهیت دامنشانه جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشته و بیانگر تلاشهای مذبحخانه رژیم است که در وحشت از نفرت و انزجار توده هابا توسل به این اقدامات وحشیانه میکوشد فضای رعب و وحشت را در جامعه حاکم ساخته و چند صباحی بیشتر به حیات سراسر جنایت خود بیافزاید.





"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق
قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را
برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است،
به پیش رویم!"
(ماغوتسه دون)

شهدای مرداد و شهریور

چریکهای فدائی خلق ایران

رفقا:

- ۶۰/۶/۱۶ فریده شمشیری
- ۶۰/۶/۱۷ علیرضا پناهی
- ۶۰/۶/۱۹ بهروز شاهین
- ۶۰/۶/۱۹ حبیب صادقی
- ۶۰/۶/۲۰ امیرنماری رادگان
- ۶۰/۶/۲۷ رضا خالصی
- ۶۰/۶/۲۷ ماعرخ یوسفی
- ۶۰/۶/۲۷ غلامشاه (جواد) ضمیری
- ۶۰/۶/۲۸ محمد اسرافیلی
- ۶۰/۶/۲۸ علیرضا تراقچی
- ۶۰/۶/۲۹ نصرالله احمدشاهی
- ۶۱/۶/۱ شهرام شفیعیان
- ۶۱/۶/۲ امیر معصوم علیشاهی
- ۶۱/۶/۲ شهناز رونابی
- ۶۱/۶/۲ احمد کریمی
- ۶۱/۶/۲ نصرت کریمی
- ۶۱/۶/۶ محمد یوسف پوری
- ۶۱/۶/۲۹ صدیق دیده رو
- ۶۰/۶/۲۱ عبدالله وارثکی

- محمد صفاری آشتیانی ۵۱/۵/۲ حیدر بابائی ۶۱/۵/۹
- فرخ سپهری ۵۱/۵/۹ مهرداد شاه مرادی ۶۱/۵/۹
- مهدی فضیلت کلام ۵۱/۵/۹ بهروز کتابی ۶۱/۵/۲۸
- فرامرز شریفی ۵۱/۵/۹ مجتهد فولاد خانی ۶۲/۵/۲
- فریدون شافعی ۵۱/۵/۹
- محمد رضا خوانساری ۵۱/۵/۹
- احمد زبیرم ۵۱/۵/۲۸
- عباس جمشیدی رود باری ۵۲/۵/۲
- زین العابدین رشت چی ۵۴/۵/۱
- جهانبخش پایداری ۵۴/۵/۱۷
- غلامرضا بانژاد ۵۴/۵/۱۷
- حسین الهیاری ۵۴/۵/۱۷
- مرتضی فاطمی ۵۵/۵/۲۱
- حسین پور قنبری ۶۰/۵/۵
- محمدتقی ترابی ۶۰/۵/۵
- محمد رضا رمضانعلی ۶۰/۵/۵
- محمد عظیمی ۶۰/۵/۵
- محمد یزدانی ۶۰/۵/۵
- کامران اسماعیل زاده ۶۰/۵/۷
- ابراهیم جلالی ۶۰/۵/۱۰
- هادی حسین زاده کرمانی ۶۰/۵/۲۴
- هامان شعیفی ۶۰/۵/۲۴
- کرامت برخوردار ۶۰/۵/۲۵



رفقا:

روز شمار مرداد و شهریور

- ۵/۱۲- آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴)
- ۵/۱۴- درگذشت فردریک انگلیس (۱۸۹۵)
- ۵/۲۵- ۱۲۵۴ شهادت مجاهد خلق فاطمه امینی
- ۱۲۲۲/۵/۲۸- کودتای امپریالیستی بر علیه دکتر محمد مصدق
- ۱۲۵۸/۵/۲۸- اعلام جهاد خمینی بر علیه خلق کرد و یورش وسیع نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به کردستان

- سیروس سپهری ۵۰/۶/۱۵
- ایرج سپهری ۵۲/۶/۲
- اعظم روحی آهنگران ۵۲/۶/۷
- عباس کابلی ۵۲/۶/۱۴
- پرویز داوری ۵۵/۶/۱۲
- حسن سعادت ۵۵/۶/۸
- هاشم باباعلی ۵۶/۶/۶
- غلامحسین بیگی ۵۶/۶/۱۲
- رضا بهفر ۵۹/۶/۱۸
- بهزاد یوسفی (کاک صمد) ۵۹/۶/۲۲
- لطف الله کیوانی فر ۶۰/۶/۲
- سعید اسماعیل پور موسوی ۶۰/۶/۶
- مانی خداوردی ۶۰/۶/۶
- عباس کاتوزیان ۶۰/۶/۸
- سیدمرتضی میررضایی ۶۰/۶/۱۱
- محمد چشم براه ۶۰/۶/۱۲

هر چه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق

(جمعه خونین) و اعلام حکومت نظامی	(۱۹۲۹)	۲۹ / ۵ / ۱۳۵۷ فاجعه آتش سوزی	روز شمار شهریور ماه
در ۱۱ شهر ایران	۷ / ۱۱ / اعلام جمهوری دمکراتیک	۷ / ۲ / قیام مردم سایگون (۱۹۴۵)	۷ / ۲ / قیام مردم سایگون (۱۹۴۵)
درگذشت مائوتسه دون	۱۸ / ۶ /	۷ / ۲ / نبرد استالینگراد (۱۹۴۲)	۷ / ۲ / نبرد استالینگراد (۱۹۴۲)
(۱۹۷۶)	۱۲ / ۷ / درگذشت هوشی مین (۱۹۷۵)	۱۱ / ۶ / ۵۸ قتل عام اهالی	۱۱ / ۶ / ۵۸ قتل عام اهالی
۶ / ۲۰ / کودتای آمریکا علیه آئنده	۱۲ / ۶ / ۱۲۲۰ تشکیل فرقه	روستای قارنا در کردستان	روستای قارنا در کردستان
(۱۹۷۲)	دمکرات آذربایجان	۱۱ / ۶ / آغاز جنگ جهانی دوم	۱۱ / ۶ / آغاز جنگ جهانی دوم
۶ / ۲۶ / قتل عام فلسطینیان در اردن (سپتامبر سیاه) ۱۹۷۰	۱۲ / ۷ / پیروزی سالوادور آئنده در شیلی (۱۹۷۰)		
۶ / ۲۶ / قتل عام فلسطینیان در صبرا و شتیلا (۱۹۸۲)	۱۶ / ۶ / ۱۲۴۷ شهادت معلم انقلابی رفیق صمد بهرنگی		
	۱۷ / ۷ / ۵۷ کشتار مردم تهران		

کمکهای مالی

امریکا

کردستان	ایران	سویز	م
کردستان - هوستون ۱۰ دلار	پیام فدائی - دیترویت ۲۲۰ دلار	خلق کرد - ابراهیم ۲۰۰۰۰ ریال	همایون کتیراشی ۱۰۰ کرون
قنوس - هوستون ۱۰ دلار	انترناسیونالیسم جهانی - واشنگتن ۵۰ دلار	شاهو ۲۵۰۰ ریال	با ایمان به پیروزی راهمان ۱۰۰ کرون گوتنبرگ
ناقوس - هوستون ۲۰ دلار	انقلاب - اوهایو ۱۶۰ دلار	شاهو ۵۰۰۰ ریال	رفیق عبدالحسین عناشی ۱۲۰ کرون گوتنبرگ
نیوشا فرهی - هوستون ۷۰ دلار	برتولت برشت - اوهایو ۱۴۰ دلار	آزادی - هوستون ۱۰ دلار	رفیق صفایی فراهانی ۱۰۰ کرون گوتنبرگ
زننده - بادسوسیا لیس - هوستون ۲۰ دلار	کاک کاظم - احمد جلیلی - اوهایو ۲۰۰ دلار	رفقای کرد - کالیفرنیا ۵۰ دلار	رفیق مسعود احمدزاده ۱۱۰ کرون گوتنبرگ
کردستان قهرمان - نیومکزیکو ۲۲ دلار	نیویورک - اوهایو ۵۰ دلار	کردستان قهرمان - نیومکزیکو ۲۲ دلار	رفیق حمید اشرف و رفیق عبدالحسین عناشی ۴۱۰۰ کرون گوتنبرگ
هالام - میامی ۱۵۰ دلار	بهاران خجسته - کارولینای جنوبی ۲۰ دلار	زیبایش مبارزه - واشنگتن ۶۲ دلار	
	مهرنوش جوکار - اوهایو ۲۰۵ دلار		
	پویان - نیویورک ۱۰۰ دلار		
	خسروپناهی - دالاس ۵۰ دلار		
	صمد بهرنگی - هوستون ۲۰ دلار		
	نسترن آل آقا - هوستون ۲۰ دلار		
	چریک فدائی - هوستون ۵۰ دلار		
	مهرنوش ابراهیمی - هوستون ۲۰ دلار		



حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم و تردید ناپذیر خلقهاست

جمهوری اسلامی
در وحشت از جنبش خلق کرد

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از سوی جمهوری اسلامی سردمداران جنایتکار رژیم در وحشت از تعرضات پیشمرگان خلق کرد به تکاپو افتاده و برای سرکوب گسترده تر جنبش خلق رزمنده کرد شروع به تدارک نمودند، و از آنجا که یکی از مهمترین خصوصیات جنبش خلق کرد پایگاه وسیع بوده ای آن میباشد نیروهای سرکوبگر رژیم بمنظور سرکوب پیشمرگان کردستان بویژه سعی نمودند به تهدید و اذیت و آزار روستائیان زحمتکش این منطقه ابعاد هرچه بیشتری بخشند.

در همین جهت دادستانی ضدانقلابی استان آذربایجان غربی اطلاعیه ای انتشار داد که متن آن طسی روزهای ششم و هفتم مردادماه بارها از فرستنده رادیوشی مهاباد خوانده شد و خود اطلاعیه نیز بوسیله مزدوران رژیم در اکثر روستاهای منطقه پخش گردید.

در این اطلاعیه از مردم ستمدیده شهرها و روستاهای مهاباد، ارومیه، نقده، اشویه، پیرانشهر، سردشت و بوکان

در صفحه ۲۰

جاودان باد خاطره چریک فدائی خلق رفیق
شهید فریدون محمدی سامانی (کاک فرهاد)
که قهرمانانه تا پای مرگ با دشمن جنگید!

بار دیگر دست جنایتکار رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به خون یکی دیگر از رسیدترین فرزندان انقلابی خلق آلوده شد و دژخیمان این رژیم چریک فدائی خلق رفیق فریدون محمدی سامانی را به جوخه های مرگ سپردند. بر شک تاریخی مبارزات شکوهمند خلقهای محروم و بیباخته برعلیه سلطه امپریالیسم و سگهای زنجیریش در میهن مادر هر برگ خودباخون پاک در صفحه ۲۳

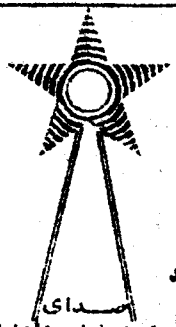


جاودان باد
خاطره اندیشمنند
ورهبـر کیـر
کارگران جهان
فردریک انگلس

با کمکهای مالی خود
چریکهای فدائی خلق ایران
را پاری رسانید

در تکثیر آثار سازمانی بکوشید

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران
با نشانی های زیر مکاتبه کنید:



ساعات پخش:

۹ شب و

۶، ۵ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد

ردیف ۷۵ متر

صدای
چریکهای فدائی خلق ایران

فرانسه

انگلستان

F. S
B. P - 181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE

BM BOX 5051
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

برقرار باد جمهوری دیمکراتیک خلق به رهبری طبیعت کارگر!